

اما در میان پیروان جواهری چند نفر هم بودند که بطور قاتونی وارد سازمان فراماسون شده بودند (در فرانسه، امریکا، عراق، هندوستان و جاهای دیگر). این اشخاص دریافته بودند که قبلاً تشکیلات جواهری غلط بوده است و در پشت پرده فعالیت شدیدی علیه او آغاز کردند، عده‌ای نیز به خارج رفتند، تا به‌طور رسمی وارد سازمان فراماسون شوند. تا اینکه سرانجام به آنها اجازه داده شد که یک لژ ملی در این کشور تشکیل دهند. مقامات مسئول از فعالیت لژ «نور در ایران» اطلاع داشتند و می‌دانستند که اگر لژهای دیگری نیز به همان طریق فعالیت کنند جمع رعایای ایشان خواهد بود.

نخستین لژ که بدین ترتیب تشکیل شد، لژ «مولوی» نام داشت که در حقیقت فرانسه تشکیل شده بود، ولی تحت نظر گراند ناسیونال فرانسه به اینجا منتقل دیدند. رهبر این لژ دکتر سعید مالک بود، که یکی از عزیزترین و مهربان‌ترین دران ما است.

بلافاصله پس از افتتاح این لژ، لژ تهران نیز تشکیل شد، که تحت نظر لژ اسکاتلند کار می‌کند.

از لژ مولوی، لژهای دیگری منشعب شد که عبارتند از لژهای سعدی و روشی در تهران - لژ حافظ، که اکنون در شیراز کار می‌کند - و لژ شمس تبریزی اکنون در اینجا مشغول فعالیت است، ولی قرار است به تبریز منتقل شود. گراند ناسیونال فرانسه همین یک گراند لژ محلی District grand lodge را نیز در اینجا تشکیل داد که در آن دکتر سعید مالک مقام District grand master را دارد، و برای ایجاد هماهنگی با گراند لژ اسکاتلند از District grand Superintendent یعنی برادر ل. و. استراکر Straker دعوت شد که با اجازه گراند لژ اسکاتلند، تمام معاونت دکتر مالک را بپذیرد.

از لژ تهران نیز لژ کوروش منشعب شد و لژ خیام بزرگ‌روز پیش (۹۰ آوریل

۱ - استراکر سالها در ایران مست ریاست لژ روشنائی و شرکت لبنج واقع در خیابان سوم اسفند را داشت و سال ۱۳۳۹ از ایران رفت.

۱۹۶۲) تشکیل گردید. هر دو این لژها تحت نظر گراندها لژ اسکاتلند کار می کنند پس از تشکیل همه این لژها احساس شد که وجود یک کمیته مرکزی ضرورت دارد. تا بتواند روابط این لژها را که تحت نظر دو گراندها لژ کار می کنند حفظ کند. این کمیته اساساً از Reigning Master لژها به علاوه کسانی که از طرف هر دو سازمان مقام گراندها لژ دارند، تشکیل شده است.

عده کسانی که در این راه زحمت کشیده اند بقدری زیاد است، که مشکل بتوان یکی را از آن میان انتخاب کرد، ولی من احساس می کنم که باید نام یک نفر را ذکر کنم و او برادر فری است. در هنگام غیبت برادر استراکر از این کشور او قائم مقام District Grand Superintendent ما است. وی مورد اعتماد هر دو گراندها لژ است، و چیزی که شاید از این نیز مهمتر باشد، آنست که از اعتماد همه برادران ایرانی و خارجی هر دو سازمان برخوردار است. یکی از مهمترین وظایفی که این کمیته انجام می دهد، عبارت است از تعیین نامزد برای ورود به هر کدام از لژهای موجود، و بدین ترتیب نمی گذارد که یک لژ تقاضای ورود کسی را که برای لژ دیگر قابل قبول نیست بپذیرد. علاوه بر اینها در تهران سه لژ دیگر نیز وجود دارد، که تحت نظر گراندها لژهای متحد آلمان کار می کنند، پس از جنگ اخیر دو گراندها لژ جداگانه در آلمان به وجود آمد که هیچکدام از آنها از طرف گراندها لژهای اسکاتلند یا گراندها لژ ناسیونال فرانسه به رسمیت شناخته نمی شدند و دلیل آن هم این بود که این دو گراندها لژ آلمانی حتی در میان خودشان توافق نداشتند. اما پس از مذاکرات زیادی که بین خود آنها و گراندها لژهای اسکاتلند، انگلیس و فرانسه از طرف دیگر صورت گرفت، این دو گراندها لژ اختلاف خود را حل کردند و بایکدیگر متحد شدند و بدین ترتیب گراندها لژهای متحد آلمان بوجود آمد.

اکنون گراندها لژهای متحد آلمان، از طرف لژهای اسکاتلند و انگلیس و فرانسه به رسمیت شناخته می شوند و با آنها روابط مودت آمیز دارند. بنابراین رفتن ما به آن لژهای آلمانی، از لحاظ رسمی مانعی ندارد، ولی

از من رفتن مایه آنجا مطلوب نیست، زیرا که تاکنون خود آنها تمایلی به این نشان نداده‌اند و به کمیته مرکزی نیز پیوسته‌اند. امیدواریم که بزودی موافقت را برای پیوستن به کمیته مرکزی، و با جمعیت کامل فراماسونری اعلام دارند. حدود دو هفته پیش (۵ آوریل ۱۹۶۲-م) نیز گرانده ناسیونال فرانسه در اینجا دیگر افتتاح کرد، بنام لژ ابن سینا که زبان آن انگلیسی خواهد بود. این فعاله لژ در تهران مشغول کارند که رفتن به همه آنها آزاد است و از شما می‌گرمی استقبال خواهند کرد، ولی از این لژ فقط «نور در ایران» و «ابن زبان انگلیسی دارند و مابقی فارسی است.

این تاریخچه اینست از فعالیت فراماسونری در این کشور. البته تا مقام Master M - اما برای کسانی که از این مقام عالی نیز بالاتر رفته‌اند، باید اضافه کنم که از مالهای اسکاتلند و فرانسه هر دو یک Royal arch chapter در تهران دارند. مخصوص حاضرم هر گونه اطلاعی را در اختیار هر کسی که خواهان آن باشد

یکی از مسائل که بسیار مورد علاقه ما است، وجود رابطه نزدیک میان لژ «فرایران» با برادران امریکائی است. چند سال پیش چند نفر آمریکائی به لژ آمدند و حتی به آن پیوستند. در حقیقت تعداد آنها آنقدر زیاد بود، که توانستم تشکیل جلسات را به یکایک آنها اطلاع دهیم. من هر گونه پیشنهادی را دعوت اطلاع دادن به برادران امریکائی با کمال میل می‌پذیرم. چطور است که همان‌های ما در مورد هر جلسه‌ای اطلاعیه‌ای برای چهار یا پنج تن از برادران تهیه به سازمانهای مختلف امریکائی بفرستند تا آنها نیز به نوبت خود به برادران همان خود اطلاع دهند.

محض اطلاع شما باید بگویم که ما در آخرین سه‌شنبه هر ماه غیر از ژوئیه ساعت شش و نیم بعد از ظهر در اطاق مدرسه کلیسای امریکائی واقع در تهران قوام‌السلطنه تشکیل جلسه می‌دهیم.

من از طرف همه برادران لژ نور در ایران از همه شما دعوت می‌کنم و از اینکه شب خوشی را در میان شما گذرانده‌ام متشکرم.

با اینکه لژ روشنائی در ایران درهای خود را به روی فراماسونهای امریکائی باز کرد، معذک آنها حاضر به همکاری با لژهای فعال ایران نشدند. هرگونه اظهار نظر درباره استنفاف امریکائیان از این ائتلاف سخنی ناصواب و دور از حقیقت است؛ زیرا نه من و نه هیچ فرد غیر ماسون دیگری با سالی نمی‌تواند به اسناد و صورت جلسه‌های ماسونها دست یابد. بنابراین در این باره سکوت اختیار می‌کنیم و قضاوت درباره (پس‌زدن) دست ائتلاف برادران انگلیسی را از طرف امریکائیه به آینده واگذار می‌کنیم.

سه هفته پس از پیشنهاد ائتلاف و تسلیم گزارش لژ روشنائی در ایران به فراماسونهای امریکائی مقیم ایران، ناگهان مجله هفتگی داخلی سفارت امریکا که بنام (این هفته در تهران) برای اعضای میسیون امریکائی مقیم ایران منتشر می‌شود، در شماره ۱۶ جلدششم خود، و در صفحه هفتم (روز ۱۷ آوریل ۱۹۶۲ م - ۲۸ فروردین ۱۳۴۱ ش) خبری باین شرح منتشر کرد: ^۱ «شاپیتر شماره ۱۴۶۸ ایران نخستین مجمع عمومی و جلسه خود را در کلوب امریکائیان [واقع در تهران - خیابان پهلوی] افتتاح می‌کنند. این جلسه از ساعت ۳۰ - ۱۸ روز ۲۸ آوریل [۸ اردیبهشت ۱۳۴۱] برای صرف شام دایر خواهد بود.

در جلسه مزبور فقط معماران اعظم فراماسونی Master Masons که در سرزمین تهران اقامت دارند، می‌توانند حاضر شوند. برای اطلاع از برنامه مزبور و تهیه کارت ورودی به کاپیتان کالینز^۲ تلفن شماره ۸۶۵۹۲ و یا گروه بان پلیس^۳ با تلفن داخلی ۲۴۹۹ سفارت امریکا مراجعه کنید.

۱ - سه شماره مجله (این هفته در تهران) را یکی از دوستان ایرانیم که در مشهد در خدمت کنسولگری امریکاست برام فرستاده است.

۲ - Capt. Collines

۳ - Mist, Bliss

THIS WEEK IN TEHRAN



VOL. VI

APRIL 17, 1962

Published by the American Embassy for Members of the American Mission in Iran

SOJOURNERS MEETING

APRIL 24 1962

Iran Chapter 468 will hold an open meeting at the American Club, 1830 hours, 28 April 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners, and Master Members in Tehran area and their families are invited. An appropriate program has been arranged. Call Capt. Collins, 86592 or W/Sgt. Bliss, Embassy Ext. 2490 for reservations.

Page - Vol. 6

SOJOURNERS MEETING

17 APRIL 1962

Iran Chapter 468 will hold an open meeting at the American Club, 1830 hours, 28 April 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners, and Master Members in Tehran area are invited. An appropriate program has been arranged. Call Capt. Collins, 86592 or W/Sgt. Bliss, Embassy Ext. 2499 for reservations.

تاریخ: ۱۷ آوریل ۱۹۶۲

SOJOURNERS MEETING

MAY 15 1962

Iran Chapter 468 will hold the monthly meeting at the American Club, 1830 hours, 23 May 1962. Social hour, and dinner. All Sojourners and Commissioned and Warrant Officers past or present are INVITED.

ایران

تاریخ: ۱۵ مه ۱۹۶۲

سه آگهی از بوئن داخلی سفارت آمریکا (این هفته در تهران) که خبر سازمان فرمانا سوزی ایران آمریکا تی در آن درج شده

متعاقب انتشار این خبر در مجلهٔ این هفته در تهران سفارت آمریکا، ناگهان رادیو صدای آمریکا که هشت سال فقط موزیک خارجی و نمایشنامه پخش می‌کرد در ساعت ۱۹-۳۰ روز بعد از انتشار مجله «این هفته در تهران» موزیک و برنامه معمولی خود را قطع و مطالبی باین مضمون پخش کرد:

«امریکائیان مقیم تهران و حومه توجه کنند.

کلیه افسرانی که معماران اعظم فراماسونری آمریکا و مقیم تهران و حومه هستند روز ۲۸ آپریل، ساعت ۳۰-۱۸ برای شرکت در جلسهٔ عمومی شاپینتر ایران شماره ۴۶۸ حضور بهم رسانند.»

انتشار این خبر که نگارنده خود متن آنرا از رادیو رسمی دولت آمریکا در تهران شنیده است طبعاً باعث شگفتی و تعجب نگارنده و همه کسانی که از چگونگی پخش برنامه‌های رسمی این رادیو آگاهی داشتند، شد. زیرا پس از هشت سال سکوت، و پخش انحصاری نوارهای ضبط صوت، این نخستین باری بود که رادیو ارتش آمریکا، مطالبی غیر از نام صفحات موسیقی و جملات نمایشنامه‌ها پخش می‌کرد.^۱

۱ - رادیو صدای آمریکا بموجب موافقتنامه‌ای که در سال ۱۹۵۴ م بین وزارت خارجه ایران و سفارت آمریکا در تهران امضاء و مبادله شد، پناهی اختصاری R. A. F. روی موج متوسط شروع بکار کرد. این رادیو که ابتدا فقط دو ساعت موزیک پخش می‌کرد، از نوامبر ۱۹۵۴ شروع به پخش برنامه‌های مختلف کرد، بتدریج ساعات کار خود را افزایش داد، تا آنجا که هم اکنون در شبانه روز شش ساعت موزیک و نمایشنامه پخش می‌کند. برنامه‌های این رادیو در ارتش آمریکا برای پخش در کلیه پایگاههای نظامی آمریکا در جهان و مناطقی که در آنجا عدم زیادی امریکائی مقیم هستند، بوسیله نوار ضبط صوت تکمیل شده و همه جا یکسان پخش می‌شود.

ایستگاه فرستنده تلویزیون آمریکا نیز که وابسته به (نیروهای مسلح آمریکا) R.A.F. می‌باشد در دسامبر ۱۹۵۹ م در تهران شروع بکار کرد. رادیو و تلویزیون مزبور حق پخش هیچگونه گفتاری یا سخنرانی را ندارد و فقط به پخش نوارهای ضبط صوت یا فیلمهای تلویزیونی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد می‌پردازند.

بجز موردی که اشاره شد، یکبار دیگر نیز، تلویزیون امریکائیا اقدام به پخش يك خبر کوتاه (بصورت زنده) کرد، که باعث جنجال و دردسرها برای مقامات سفارت آمریکا و تعطیل موقت فرستنده تلویزیونی و حتی محاکمه احتمالی مسئولان این فرستنده تلویزیون

در آن شب که مجمع عمومی لژ فراماسونری آمریکا در کلوپ امریکاییان تشکیل شد، ۴۹ نفر از افسران نظامی، دیپلماتهای عضو سفارت آمریکا، اعضای شش عمران بین‌المللی آمریکا در ایران (اصل چهارم) و سایر اتباع امریکایی عضو هیئات مختلف به اتفاق باوانشان در جلسه مذکور شرکت کردند. با اینکه باران شدت می‌بارید، معذک همۀ مدعوین به لژ مذکور رفتند.

هنگام حضور مدعوین، بافوان امریکایی به سالن کوچک کلوپ هدایت می‌شدند،

که چون پس از خبر مربوط به جلسه فراماسونری، موردی است که يك خبر بصورت دو و خارج از کادر فیلمها و نوارهای آماده شده، پخش شده است، در اینجا خلاصه ماجرا را نقل می‌کنیم:

ماجرا چنانکه خوانندگان ارجمند بیاد دارند، در آخرین لحظات پخش برنامه تلویزیونی گذشته امریکاییها بین ساعات ۱۱ و ۱۲ - نیمه شب - یازدهم شهریور ۱۳۴۱ (روز بعد از زلزله هولناک دهم شهریور دشت قزوین که تلفاتی بالغ بر ۳۰ هزار نفر، و ویرانیهای زیان‌بار آورد) اتفاق افتاد. بدین ترتیب که در جریان پخش يك فیلم سینمایی و هنگامیکه لحظه بیشتر بیابان فیلم نمایان بود - ناگهان صدای هنریشکان قطع شد و در حالیکه اوپر همچنان روی صفحه تلویزیون بودند يك گوینده به زبان انگلیسی اظهار کرد که: «نی گزارتی مؤسسه ژئوفیزیک امشب زلزله دیگری در تهران روی خواهد داد» گوینده آنگاه پیشنهاد کان تلویزیون خواست که خانه‌های خود را ترک کنند!

انتشار این اخبار - که بلافاصله در سراسر شهر منتشر گردید - باعث شد که همه آنها خانه‌های خود را ترک کرده، بکوچه و خیابان ریخته... آنشب تهران شب بیخواب و هفتشاکمی را گذرانید، زن و مرد و کوچک و بزرگ در خیابانهای اطراف شهر پراکنده شدند... وقتی آنشب از زلزله خبری آمد و اعلام گردید که اصولاً زلزله غیر قابل پیش بینی است و از طرف مؤسسه ژئوفیزیک نیز تلفتی به ایستگاه تلویزیون نشده، سفارت آمریکا در آن توضیح برآمد و طی اعلامیه‌ای که برای مطبوعات و رادیو فرستاده، اعلام داشت که مسئولان تلویزیون، فریابی يك توطئه با شوخی و مردم آزاری شده‌اند بدین معنی که در حوالی نیمه شب، یک نفر بوسیله تلفن با ایستگاه فرستنده تلویزیون تماس گرفته، خود را مأمور کسب یک نسخه ژئوفیزیک معرفی کرده و از مسئولان تلویزیون خواسته است که چون برنامه تلویزیون در آن تمام شده و وسیله دیگری برای خبر کردن مردم نیست، احتمال وقوع زلزله را با اطلاع مردم برسانند... آنان نیز که فرصتی برای تحقیق نداشته‌اند بلافاصله این خبر را پخش و در شب بجهتال و هیاهو، بیخوابی و اضطراب و ناراحتی شدید مردم می‌شوند. اداره اطلاعات سفارت آمریکا هم ضمن پوزش و عذرخواهی هم چنین اعلام کرده بود که با وجود این، مسئولان این حادثه تعقیب و مجازات خواهند شد... و این آخرین باری بود که يك خبر بصورت زنده خارج از کادر فیلمها و نوارهای ضبط شده از رادیو و تلویزیون امریکاییها در تهران پخش شد.

ولی افسران که فراماسون بودند بالباس غیر نظامی در سالن بزرگی که قبلاً باء اعلام، نابلوها و پرچمهای مخصوص تزئین شده بودند گرد می آمدند .

بطوری که بعدها شنیده ایم ، در آن جلسه پیشنهاد شده بود که از استواران، گروهبانان و افسران جزء نیز که در مراحل اولیه ورود به ارتش امریکا هستند ، برای شرکت در جلسات لژ دعوت کنند . منتهی همانظوری که رسم و قاعده تشکیلات فراماسونری است، هنگام بحث و مذاکره به تدریج کسانی را که دارای درجات پایین تر هستند از لژ بیرون کرده و فقط «معماران اعظم» برای صحبت در مسائل بسیار مهم در لژ باقی می مانند .

گروهبان Set : Hawthorn امریکایی که از سال (۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ - م) (۱۳۳۹-۱۳۴۱-ش) در ایران با سمت ریاست اداره مونتوری ارتش خدمت می کرد، به ما گفت که بیش از سی استوار و گروهبان ارتش امریکا در ایران فراماسون هستند. خود او که از فراماسون های شهر بوستون امریکا بود با اینکه از نظر سلسله مراتب ماسونی درجه سوم را داشت، معذک در شب ۲۸ آوریل به کلوب آمریکائیان نرفت، زیرا در دعوتنامه مجله این هفته در تهران و خبر رادیو صدای امریکا فقط از افسرانی که مقام «معمار اعظم» داشتند، دعوت شده بود .

متعاقب تصمیمی که در شب ۲۸ آوریل گرفته شد، شایتر شماره ۴۶۸ ارتش امریکا (روز ۱۶ می ۱۹۶۲-م) (۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۱) نیز از همه افسران، استواران و گروهبانان امریکایی مقیم تهران و حومه دعوت کرد، تا در جلسه (ماهانه) لژ که روز ۲۳ می ۱۹۶۲-م) در کلوب امریکائیان تشکیل می شود، شرکت جویند .

با تأکید روی کلمه «جلسه ماهانه» چنین استنباط می شود که لژ امریکایی مزبور نخستین لژ فراماسونی امریکاست که می بایستی همه ماهه تشکیل شده و با اصطلاح ماسونها (کار) و (عمل) کنند .

سازمانی که فراماسونهای امریکایی تشکیل دادند . Iran Chapter 468 نام دارد، که در سازمان فراماسونری جهانی دارای مقام مهمی است.^۱

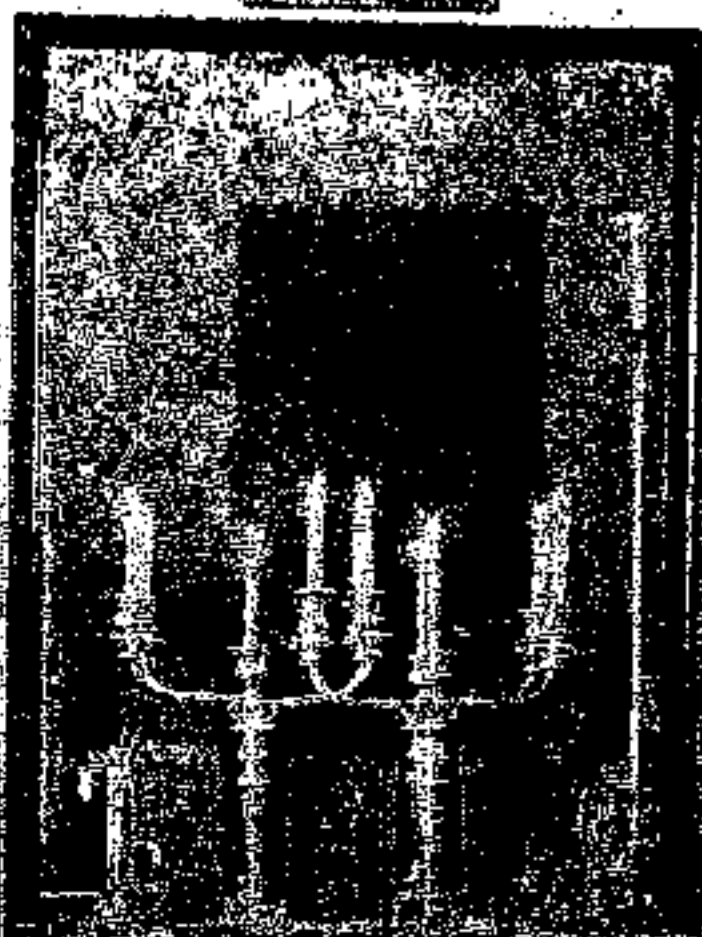
۱- مجله «این هفته در تهران» شماره ۲۰-جلد ششم-مخصوص پخش در داخل سفارت امریکا.

علینقی خان نبیل الدوله

یکی از فراماسونهای معروف ایران که دارای شهرت جهانی بود و در سازمان ماسونی امریکا مقام «ژنرال ماسونی» و «درجه ۳۳ فراماسونی» را داشت و همچنین اولین نشان ماسونی را که فقط به رؤسای جمهور امریکا اعطاء می شود، دریافت بود، «علینقی خان نبیل الدوله» از افراد خاندان سپهر کاشی است. او که یکی از رؤسای فرقه مذهبی بهائیان ایران و امریکا بود و عکس او را در کنار تصویر آلبها از ارادت فوق العاده او به پیشوای بهائیان جهان حکایت می کند، در خانه محفل ماسونی کوچکی داشت، که اغلب روزها، در حضور دیگران، در آنجا عبادت می پرداخت. با اینکه نبیل الدوله بهائی بود و از رؤسای این فرقه به حساب آمد، معذک در محفل ماسونی خود، دو قطعه از آثار و مناجاتنامه های «خواجه عبدالله انصاری» را در دو تابلو بزرگ قرارداد، جلو محراب عبادتگاهش نصب کرده و این دو تابلو به خط یکی از خوش نویسان عهد ناصری است که برای «میرزا سلطان نوری» نوشته شده بود. نبیل الدوله آنها را به بهای گزافی خریداری کرده و همراه خود به امریکا برد. در جلسات فراماسونهای امریکائی و ایرانی که در محفل ملک ماسونی وی تشکیل می شد، او مناجات های خواجه عبدالله انصاری را به منی می خواند، حتی بطوری که گفته اند ترجمه انگلیسی آنها هم به فراماسون امریکائی داده و آنها را وادار می کرد که همراه با قرائت مناجاتنامه مذکور از آن او، آنان نیز با صدای ملایم آیات خواجه عبدالله را قرائت کنند.

تابلو اول

- ۱- بسم الله القدوس قدس منی
- ۲- الهی این چه فضیلت که بادوستان خود کرده که هر که تو را
- ۳- شناخت ایشان را یافت و هر که تو را یافت ایشانرا شناخت
- ۴- الهی امر بدعا فرمانت قلم رفته را چه درمان است
- ۵- الهی امر ابلیس آدم را بدآموزی کرد مندم که او را روزی کرد
- ۶- الهی تا تو در غیب بودی من همه غیب بودم چون تو از غیب بدر آمدی، من از غیب





Landscape

Structure

Design

Material

Color

Light

© 2000 The McGraw-Hill Companies

- ۷- الهی بیزارم از آن طاعتی که مرا به عجب اندازد و بنده آن مصیبتم که مرا به عذر آورد.
 ۸- الهی نه ظالمی که گویم زینهار و نه مرا بتوحفی که گویم بیار
 ۹- چون اول برداشتی آخر فروگذار

قابلو دوم

- ۱- الهی ناظری چه گویم - الهی اگر کار به گرفتار است، بر سر همه تاجم
 ۲- واسر به کردار است، به پشه و مور محتاجم
 ۳- الهی اگر من ناپخته‌ام تو پخته کن و اگر پختی سوخته کن.
 ۴- الهی اگر بر در رو است از خود دورم کن و اگر به دوزخ فرستی رضاست مهجور مکن
 ۵- الهی همه از تو ترسند و عبدالله از خود زیرا از تو همه نیک آید و از عبدالله همه بد
 ۶- الهی تاز حمد تو اثر آمد همه مهرها به سر آمد.
 ۷- الهی همیشه چو بید می لرزم که مبادا به هیچ نیرزم

پس از شائزده جمله مسجع خواجه عبدالله انصاری، سه سطر بدین شرح نوشته شده است:

- ۸- به جهت [یک کلمه خوانده نشد] بزم حضور جناب جلالت مآب اشرف
 ۹- ارفع امجد افخم صدر اعظم میرزا آقاخان خواجه نوری
 ۱۰- مجده العالی تحریر شد. بنده درگاه محمد حسین شیرازی

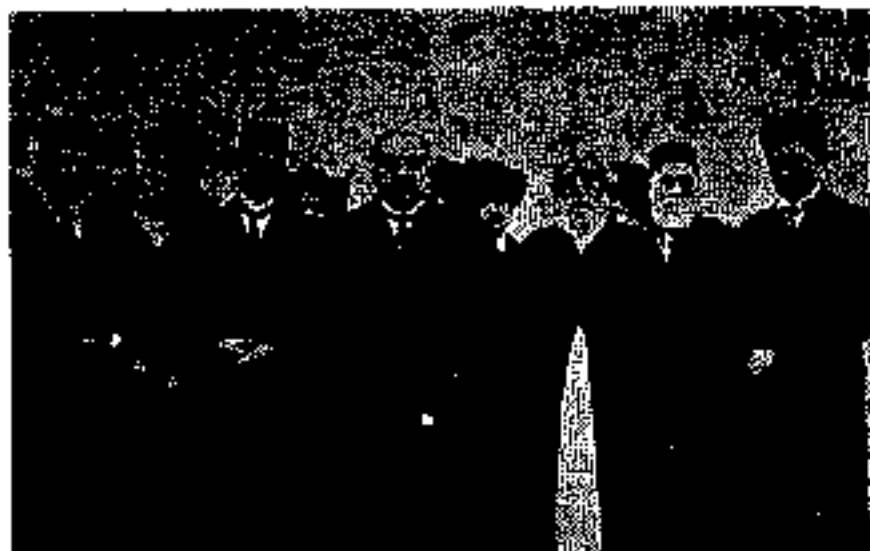
این دو تابلو که به خط کوفی نوشته شده یا تزئینات اطرافش یکی از شاهکارهای تزییب و خوش نویسی دوران قاجاریه بشمار می رود.
 در محراب محفل ماسونی مذکور، علاوه بر دو تابلو بالا، دو شمعدان سه شاخه سه جلد کتاب نیز قرار داشت، که کتابها عبارت بودند از:

۱- قانون اساسی فراماسونری

۲- الواح بهاولله

۳- کتاب بیان

و علاوه بر اینها، یک شمشیر ایرانی، یک برگ درخت مصنوعی و یک قطعه پارچه زری بافت هندوستان نیز وجود داشت. هرگاه نبیل الدوله در جلو محراب محفل ماسونی خود، به عبادت مشغول می شد، جبهه‌ای از پشم شتر بافت کرمان که راه‌های طلائی و ابریشم سیاه رنگ داشت، بدوش می انداخت و بازدن زانو به زمین به عبادت می پرداخت.



نسیب الدوله وسایر بھائیوں دز حضور عبدالہما



نسیب الدوله و خانوادہ اش دز واجینکتن

علینقی خان نبیل الدوله ، با اینکه از رؤسای فرقه بهائی بود ، و معمولاً نمی‌بایستی در امور سیاسی دخالت کند ، با اینحال وارد فرقه سری فراماسونی شده بود^۱ . او شصت و سه سال در آمریکا اقامت داشت و روزی که بدرود حیات گفت هشتاد و هشت سال از عمرش می‌گذشت .

نبیل الدوله پسر عبدالرحیم خان کلانتر و معاون «کنت دومونت فورت» رئیس نظمیته تهران بود . وی ابتدا در خدمت سفارت انگلیس کار می‌کرد . سپس به شغل آزاد و خرید و فروش نمبر پرداخت . این سالها مصادف با زمانی بود که بهائیان از طرف دستگاه حکومتی تحت فشار قرار گرفته بودند و او که بهائی سرشناسی بود ، ایران را ترک گفته عازم آمریکا شد . نخستین شغل رسمی او در آمریکا «کاردار سفارت ایران» در نمایشگاه جهانی «پاناما» و سپس داشتن همین عنوان در نمایشگاه «پاسفیک» بود که در سال ۱۹۱۴ گشایش یافت . چهار سال بعد ، ۱۹۱۸ - هنگامیکه نمایشگاه جهانی «سانفرانسیسکو» افتتاح شد ، نبیل الدوله به خرج خود ، غرفه‌ای در آن نمایشگاه ، بنام «غرفه ایران» تأسیس کرد ، و آنچه که اشیاء عتیقه ، البسه ، قالی ، تابلو و اشیاء مثبت کاری و تذهیب کاری داشت ، در این غرفه به معرض نمایش گذاشت .

در سال ۱۹۱۹ به دستور و توق الدوله - نخست‌وزیر وقت - مأمور مذاکره با «ویلسن» رئیس جمهوری آمریکا شد و با ژنرال «پرسینک» نیز هنگام عقد قرارداد صلح در پاریس به مذاکره پرداخت . اما پس از سقوط کابینه و توق الدوله ، از طرف نصرت الدوله فیروز وزیر خارجه تلگرافی به او اطلاع داده شد که از سمت‌های دولتی معاف شده است . نبیل الدوله آنگاه به ایران بازگشت و مدتی پیشکار محمدحسین میرزا ولیعهد بود . ولی در سال ۱۳۰۴ شمسی مجدداً از ایران به آمریکا مراجعت کرد و به شغل آزاد یعنی فروش اشیاء عتیقه پرداخت .

۱- یکی دیگر از رؤسای فرقه بهائی که نام و عکس او در اسناد فراماسونری دیده شده

دکتر ذبیح‌اله قریان است که در فصل بیست و پنجم کتاب تصویر از چاپ شده است .

در کابینه دوم قوام السلطنه که مسئله دریافت وام از آمریکا و دعوت از شرکت
الفنی مطرح بود، رئیس الوزرا او را به ایران دعوت کرد. اما این بار نیز اقامتش
در آن طولانی نبود، يك سال بعد مجدداً با آمریکا بازگشت و پس از مدتی اقامت
در نیویورک، به واشنگتن رفت، که تا پایان عمر در این شهر بسر می برد. همسر
شکالی او بنام «فلورنس» لیدرز نان بهائی امریکایی بود و خود او هم علاوه بر فعالیت
مذهبی در شورای طریقیت فراماسونی امریکا نیز فعالیت می کرد.

بطور کلی همه سازمانها و تشکیلاتی که در کشورهای مختلف
الهای علنی و جهان، مخفیانه فعالیت می کنند و یا بعللی قادر با انجام فعالیتهای
مخفی علنی نیستند، سعی می کنند با ایجاد سازمانهای علنی وابسته
و یا بوسیله نفوذ در سازمانهایی که دارای فعالیت علنی هستند،
نفوذ را تأمین کرده، همان هدفهای تشکیلات مخفی را، در زیر سرپوشی
الهای علنی تعقیب کنند. نمونه زنده اینگونه سازمانها را در جریان فعالیت
الهی کمونیست که در اغلب کشورها غیر قانونی شناخته شده اند می توان دید و
نمود ایران نیز - در فاصله سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ دیدیم که چندین سازمان
با اسامی گوناگون فعالیت می کردند و همه متینگها و تظاهرات حزب مخفی
با نام و در زیر لوای این سازمانها تشکیل می شد. و وجود این احزاب
معبتهای علنی بهترین وسیله تماس افراد و اعضای حزب مخفی - که اجازه و
ان فعالیت علنی نداشتند - بایکدیگر بود. همچنین نشریات متعدد این جمعیتها
از اب، عقاید و نظرات حزب مخفی را علناً منعکس و منتشر می کردند. . .
اهای فراماسونری جهان نیز که همه اعمال و فعالیتهای خود را در اختفای
ان انجام می دهند، می کوشند در هر کشور سازمانی علنی تشکیل دهند و با نفوذ
جمعیتها و یا سازمانهای علنی، بار سنگین فعالیتهای محرمانه را سبکتر کرده
وسیله ای قانونی برای نفوذ بیشتر در طبقات مورد نظر و تأمین هدفهای خود
است آورند.

چهار سازمان جهانی که قبلاً تاریخچه تأسیس و چگونگی فعالیت آنها باختصار از نظر خوانندگان می‌گذرد^۱، نمونه‌ای از فعالیت علمی فراماسونها در کشورهای مختلف گیتی و در زیر لوای این سازمانهای علمی است:

تسلیح اخلاقی مؤسسه‌ایست که ۳۶ سال قبل تأسیس شده
۱ - تسلیح اخلاقی است. کسیکه فکر تشکیل این سازمان را بمرحله عمل در آورد، دکتر (بوخمن) نام دارد که زادگاه او «سنگالی»

در نزدیکی شهر زوریخ است. بوخمن از سوئیس به امریکا رفت و در آنجا به اتفاق شش نفر امریکائی دیگر پرورشگاهی را اداره می‌کرد. ولی در اثر اختلافی که بین اعضای پرورشگاه بوجود آمد، بوخمن مستعفی شده و بزادگاهش بازگشت. حواریون او می‌گویند:

يك روز بوخمن که در جنگل سیاه قدم می‌زد و غرق در افکار و اندیشه‌های گوناگون بود، پس از بررسی وقایع خود را مقصر تشخیص داد و علت رها کردن کار پرورشگاه را (خود خواهی) شخص خودش دانست. لذا همانروز نامه‌ای برای همکارانش فرستاد و طی آن خود را مقصر قلمداد کرده، به عذرخواهی پرداخت. ارسال همین نامه مقدمه افکار و اندیشه‌های بعدی او بود، زیرا بوخمن از تفکرات آنروز خود چنین نتیجه گرفت که انسان اول باید خودش را اصلاح کند، سپس به هدایت دیگران بپردازد. او بعدها به همکارانش گفت:

«ما دنیا را با اصول امانت، پاکدامنی، محبت و ترك خود خواهی تسخیر می‌کنیم» و برای رسیدن به هدف خود جمعیت تسلیح اخلاقی را بوجود آورد.

مرکز تسلیح اخلاقی در (مونترو) سوئیس است، و طرفداران این فکر بیشتر در آنجا زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۴۸ - م (۱۳۲۷ - ش) دکتر بوخمن که از رؤسای لژ الپینای سوئیس است، هنگام مسافرت بایران موفق شد که در این کشور نیز فعالیت

جمعیت را آغاز کند^۱.

از سال ۱۹۴۹ - م (۱۳۲۸ - ش) به بعد بتدریج عده‌ای از ایرانیها عضو این عده شدند. در میان افراد این جمعیت - که تعداد صحیح آنها افشا نمی‌شود، سبب اظهارات حاج ابوالفضل حازفی^۱ این عده که سرشناس‌تر هستند عضویت

ای:

دکتر رضا زاده شفق - علی اصغر حکمت - دکتر علی اصغر آزاد - دکتر
 ... - دکتر چهارازی - دکتر متین دفتری - دکتر سنگ - دکتر محمود زنده
 منصور پور سینا - دکتر محمد شاهکار - حاج محمد نیشابوری - دکتر علیمحمد
 ... - مجید موقر - مصطفی عامری - دکتر مجتهدی - دکتر شهریار -
 ... - سید علی نصر - علی نفی مستوفیان .

در سال ۱۹۵۲ - م (۱۳۳۱ ش) برای اولین بار هیأتی مرکب از ۵۲ نفر از
 شاه تسلیم اخلاقی جهان بایران آمدند، که دکتر بوخمن در رأس آنها قرار
 داشت. این عده در یکی از باشگاه‌های تهران پذیرائی شدند و فیلمی بنام «جزیره
 ...» را نیز بنمایش گذاشتند.

در سال ۱۹۵۵ - م (۱۳۳۴ - ش) باردیگر ۱۹۴ نفر به ایران آمدند که در
 آن مورد پذیرائی قرار گرفتند و در سه شب متوالی پستی بنام (ناپدید شونده)
 نمایش دادند. این عده در تالار ابن سینا نیز سخنرانی‌هایی ایراد کردند.

نخستین بار مجله (امید) سپس مجله (شورش) یا (رنسانس) بزبان فارسی از
 طرف این گروه در تهران منتشر شد. این مجلات در چاپخانه (روتو ساداگ) زنو
 ... - حروفچینی شده، و در چاپخانه (اقتصادیات شرق) کلن - آلمان غربی -
 ... م (۱۳۳۹ - ش) چاپ شده بود. هر دو مجله را در پنجاه هزار
 نسخه طبع و مجاناً توزیع کردند.

۱ - ابوالفضل حازفی چندین بار به نمایندگی مجلس شورایی از شهر جهرم انتخاب

ابوالفضل حازقی در گفتگویی با نگارنده، حاضر نشد دفتر کار و نام اعضای هیئت مدیره (تسلیح اخلاقی ایران) را افشاء کند. او گفت ما مرکزی نداریم، ولی صندوق پستی شماره ۱۴۴۲ مخصوص مکاتبات ماست. بموجب اظهارات او در سال ۱۹۶۲ م (۱۳۴۰ - ش) تسلیح اخلاقی ایران ۷۰۰۰۰ فرانک سویس موجودی داشت. و تنها مجله (شورش) ۴۵ هزار فرانک خرج چاپ و انتشار داشته است. بموجب سندی که او نشان داد، در سال ۱۳۴۰ - ش (۱۹۶۲ - ۱۹۶۱ م) اشخاصی که ذیلاً نام آنها خواهد آمد، مبلغ ۵۳۲۴ لیره استرلینگ بلاغوض به انجمن ایرانی تسلیح اخلاقی ایران پرداخته‌اند.

- ۱ - کولن انگلیسی - ۴۲۰۰ لیره
- ۲ - مک کای - ۵۰۰ لیره
- ۳ - ود - ۱۰۰ لیره
- ۴ - اسکور - ۵۰ لیره
- ۵ - سر تیب صمصامی - ۲۰۰ لیره
- ۶ - مفخم - ۸۰ لیره
- ۷ - حازقی - ۸۰ لیره
- ۸ - کسیکه نامش افشاء نشده - ۹۱ لیره

بموجب اظهارات حازقی، تسلیح اخلاقی در تبریز، شیراز و اصفهان هم شعبی دارد، ولی وی حاضر نشد دفتر و مراکز و اسامی اعضای این شعبات را فاش کند.

یکی دیگر از جمعیت‌های امریکائی که زیر نفوذ فراوان
۲ - روتاری کلوب فراماسونهای آن کشور قرار دارد، روتاری کلوب است. مؤسسين این جمعیت که اکثراً از فراماسونهای شیکاگو (شیکاگو مرکز بزرگ فراماسونی امریکاست) بودند، روز سوم فوریه ۱۹۰۵ م (۱۴ بهمن ۱۲۸۳ - ش) این انجمن را در شهر شیکاگوی امریکائیان تشکیل دادند. مبتکر

تشریح تشکیل این انجمن يك و كیل دعاوی امریکائی بنام 'پیل هادیس' بود. او هنگامیکه
 اروپا روتاری را تشکیل داد، شعار آنرا (خدمت بخلق و جامعه، قبل از خدمت
 بخود) قرار داد و به اعضای مؤسس کلوب گفت: دومین شعار ما باید این باشد
 کسی بهترین استفاده را از کلوب ما می کند، که بهتر و بیشتر از همه به مردم
 يك و خدمت کند. کلوب روتاری که در سالهای اول تشکیل بزحمت عده اعضایش
 بنیاد نفر از صاحبان حرف و صنایع و اصناف مختلف می رسید، امروز در ۱۲۳
 از جهان شعبه و ۵۰۰ هزار نفر عضو از هفتاد صنف مختلف دارد.

در کشورهایی که تعداد اصناف و صاحبان حرف آن زیادتر شده، نسبت به
 وقت وجود اصناف در آن کشورها اعضای روتاری کلوب آن هم افزایش یافته
 است. و چنانکه در ایران اصناف قالیبافی، کاشی کار، منبت کار و خاتمکار بر ۸۰
 صنف دیگر جهان اضافه شده است.

در ایران نیز از پنج سال قبل مقدمات تشکیل جمعیت مزبور
 اهمیت در ایران فراهم شد. در آن سال فقط اعضای مؤسس مشغول فعالیت
 شدند و اعضای هیأت مدیره را از بین خود انتخاب کردند.
 از اعضای هیأت مدیره جمعیت طبق اساسنامه بیست نفر است، که در سال ۱۳۳۵
 بین خود دکتر جهانشاه صالح را بریاست کلوب انتخاب کردند. روتاری کلوب
 رئیس، دو نایب رئیس، يك خزانه دار، يك منشی و يك عضو علی البدل دارد.
 بر این هرشش نفر عضو يك کمیته دارند، که کمیته ها کلیه کارهای انجام
 را با بدبیر کل جمعیت گزارش می دهند.

در تهران کلوب اول روتاری، هفتاد عضو داشت ولی چون تعداد زیادی در
 آنجا نام نویسی کردند، کلوب دوم و سوم نیز تشکیل شد.

روتاری کلوب ایران در آبادان، خرمشهر، تبریز، اصفهان و شیراز نیز
 بهائی دارد. جمعیت مرکزی روتاری کلوب هر سال یکبار کنفرانس تشکیل می دهد
 که ۳۳۰۰ نفر از اکناف جهان در آن شرکت می کنند. فعالیت فراامسونهای امریکا

در این جمعیت فقط در چهار چوب (امور خیریه) است. در حالیکه در سایر کشورها فراماسونها از آن برای پیش بردن مقاصد بین‌المللی و شخصی خود استفاده سیاسی می‌کنند. روتاری کلوب مثل سایر جمعیت‌های امریکائی فقط در شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی شعبه ندارد. نشریه‌ای که در سال ۴۴ - ۱۳۴۳ - از طرف روتاری کلوب ایران منتشر شد، رؤسای کلوب را در سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵ باین شرح معرفی کرده است :

۱۹۵۶ - ۵۸	دکتر جهان‌شاه صالح
۱۹۵۸ - ۵۹	عباس مسعودی
۱۹۶۱ - ۶۲	عباسقلی نیسباری
۱۹۶۳ - ۶۲	فریدون ورجاوند
۱۹۶۳ - ۶۴	جهان‌شاه صالح
۱۹۶۴ - ۶۵	محمود ضیائی

از بین اعضای روتاری کلوب، آنها که تا کنون هویتشان در لژهای مختلف فراماسونری ایران شناخته شده عبارتند از :

عیسی بهزادی - کریستوفر قری - دکتر اسماعیل فیلسوفی - مهندس فروهر فیروز - حسینعلی حکمت - دکتر احمد هومن - دکتر علی اصغر خشایار - علی کوچکعلی - دکتر عباس معتمدی - دکتر حسین رحمتیان - ژرژ اوانسف - مهندس عبدالله والا - دکتر طاهر ضیائی - دکتر خلیل ضیائی - دکتر عبدالحسین راجی - مهندس خلیل طالقانی - محمد حسین فرخ پارس - مهندس رضا رزم آرا - اوانس اوانسوف - صالح چتایات - ادوارد چتایات :

رئیس روتاری کلوب شمال تهران مهندس رزم آراء و نایب رئیس آن دکتر عبدالحسین راجی است و بدینترتیب دو پست مهم این سازمان در اختیار فراماسونهاست .

تشکیلات (برادری جهانی)^۱ یکی دیگر از سازمانهای تعاونی
جمعیت برادری جهانی است که در آن کلیه افراد بشر بدون در نظر گرفتن رنگ
 پوست، زبان، مذهب و نژاد حق عضویت دارند. این سازمان
 جهانی که در سال ۱۹۵۰ - م (۱۳۲۹ - ش) در کاخ یونسکو
 گیل شد بر اساس هدفهای (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) امریکا پایه گذاری
 است. گرچه در تشکیل سازمان برادری جهانی، فراماسونهای امریکائی،
 انگلیسی نقش اصلی را نداشتند. ولی وجود دکتر کلینچی^۲ رئیس عالیه (کنفرانس
 یهودیان و مسیحیان) در رأس هیأت امریکائی و آزاد بودن فراماسونها و
 همه جمعیتهای وابسته آشکار و پنهان جهان در این تشکیلات جهانی، این
 سازمان را تقویت کرده و این شبه را بوجود می آورد که در اداره سازمان
 جهانی (برادری جهانی) نیز فراماسونها مقام اول را دارند. بخصوص که دکتر
 کلینچی از سرشناس ترین رهبران ماسونی و «گراند ماستر» فراماسونهای امریکا
 یکی از برجستگان تشکیلات ماسونی ایالات متحده بشمار می رود.

علاوه بر این دلایل، حتی جملات و کلماتی که ماسونها در قانون اساسی،
 اساسنامه ها، سخنرانیها و تشریفات خود بکار می برند، عیناً در اساسنامه سازمان
 برادری جهانی نیز بکار برده شده است.

از همه مهمتر بکار بردن عنوان و کلمه (برادر) در نام اصلی سازمان است.
 بطوری که می دانیم فراماسونها یکدیگر را (برادر) خطاب می کنند و هدف آنها
 تکمیل حکومت (فراماسونی جهانی) یا بهتر بگوئیم (برادری جهانی) است.
 اساسنامه سازمان (برادری جهانی) نیز هدفهایی نظیر آنچه که فراماسونها دارند
 شرح و عنوان شده است با این تفاوت که در سازمان برادری جهانی هر کس با
 نوع ملیت، رنگ پوست و نژاد و زبان که داشته باشد، می تواند شرکت کند.

در حالی که در سازمانهای فراماسونی فقط کسانی که چشم و گوش بسته خود را در اختیار لژها بگذارند، حق ورود دارند. چنانکه اشاره شد، افکار و ایده جمعیت از هدف‌های (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) آمریکا سرچشمه گرفته است. این جمعیت در سال ۱۹۲۸ - م (۱۳۰۷ - ش یا ۱۳۴۶ - ق) در شهر نیویورک و بوسیله (چارلز ایونز هیوز) رئیس دیوان عالی کشور آمریکا بوجود آمد. (هیوز) که تا سال ۱۹۲۸ از فراماسونهای فعال آمریکا بود، کلیه کوششها و فداکاریهای خود را برای مبارزه با سازمان (کوکلوکس کلان) های آمریکا بکاربرد. جمعیت تروریستی و طرفدار تبعیض نژادی مزبور از اوایل قرن بیستم بوجود آمده است. آنها آنچه توانستند، از سیاه پوستان و کسانی را که مخالفشان بودند کشتند و هنوز هم به فعالیتهای تروریستی و نژادی خود ادامه می‌دهند.

چالز هیوز، چون در ضمن صدور احکام، متوجه شد که از راه قانون کاری از پیش نمی‌برد، در صدد برآمد با تشکیل انجمنی از مسیحیان و کلیسیان، با این سازمان تروریستی مبارزه کند. او مواد اساسنامه انجمن خود را بر روی کلمات (آزادی، برادری، دوستی، حسن تفاهم، اشتراک مساعی، رفع تبعیضات نژادی و مذهبی و برادری افراد بشر با یکدیگر) استوار کرد.

این فراماسون مؤمن و رازدار بدون اینکه تا دم مرگ انگیزه و علل واقعی تشکیل جامعه مزبور را بیان کند، از راه گفتگوی مستقیم با اعضای جمعیت تروریستی (کوکلوکس کلان) موفق شد، عده کثیری از آنها را از جمعیت مذکور مستعفی و یا با خود هم عقیده و همدست کند. بزودی شعبات این انجمن در سرتاسر آمریکا تشکیل شد. به طوریکه در ده سال اول حتی در دهات هم شعبه - انجمن مزبور دایر بود.

در ۱۹۵۰ - م (۱۳۲۹ - ش) یا (۱۳۶۹ - ق) که جنگ کره، بار دیگر جهان را تهدید به يك جنگ بین‌المللی جدید می‌کرد، دکتر (کلینچی) و پرفسور

(کامپتون) که اولی ریاست عالیہ انجمن ملی یهودیان و مسیحیان را داشت و دومی
 در رتبه فیزیک دان امریکائی بود در کنگره نمایندگان جهان، در عمارت
 ولسکو، تقاضای تشکیل سازمان (برادری جهانی) را کردند و این سازمان بوجود
 آمد.

جمعیت برادری جهانی بزودی بسط یافته، شعباتی در مناطق پنجگانه زیر
 پیس کرد:

- ۱ - سرتاسر امریکا - مرکز نیویورک
- ۲ - کلیه کشورهای اروپائی - مرکز ژنو
- ۳ - کشورهای خاور میانه و خاور نزدیک - مرکز تهران
- ۴ - منطقه خاور دور - مرکز مایل
- ۵ - جنوب و جنوب شرقی آسیا - مرکز هنگ کنگ

در سال ۱۳۳۷ - ش (۱۹۵۸ - م) دکتر کلیتیچی و پروفیسور کامپتون از امریکا
 آن آمدند، و مرکز سازمان برادری جهانی را در خاور میانه و خاور نزدیک
 تهران تشکیل دادند.

ریاست جمعیت با حسین علا وزیر دربار شاهنشاهی بود و شجاع الدین شفا
 پیمان شاملو بعنوان دبیر کل و مدیر عامل جمعیت انتخاب شدند.

علاوه بر این: دکتر فرهاد، فروزانفر، دکتر محمود مهران، جمشید

۱ - پروفیسور کامپتون Compton متخصص اتمی امریکا که در تهیه بمبهای اتمی
 هیما و ناکازاکی شرکت داشت، پس از انفجار بمب مزبور در تلغامی که به مردم بیگناه
 پناه این دو شهر وارد شد، چون خود را در این فاجعه شریک و سهیم می دانست، نه تنها
 کار تهیه بمب اتمی بلکه به طور کلی از مطالعات فیزیکی دست شست. تلاش برای جبران
 گناه و شستن لکه ای که - به عقیده خود وی - فاجعه هیروشیما و ناکازاکی، برگزیده اش
 بود، باعث شد که وی ابتدا به جمعیت (کنفرانس ملی یهودیان و مسیحیان) پیوسته و
 پس وارد جمعیت (برادری جهانی) شود. پروفیسور (کامپتون) در ماه مارس ۱۹۶۲ (فروردین
 ۱۳۴۱ - ش) بدرود حیات گفت.

آموزگار، دکتر محمود اعتمادیان، دکتر حسین بنائی، محمد یزدانفر، پرویز خوانساری، فتح‌اله معتمدی، جعفر بهائیان و خانم صیفه فیروز - برای ریاست و عضویت کمیسیونهای مختلف جمعیت انتخاب شدند.

بطوریکه یکی از مطلعین جمعیت برادری جهانی اظهار می‌داشت، کمیتد اجراییه سازمان برادری جهانی در ایران عملیات و اقدامات زیر را انجام داده است:

- ۱ - حذف مطالب زننده علیه مذهب اهل تسنن از کتب درسی فارسی
 - ۲ - تدریس فقه تسنن و ایجاد کرسی مذهب تسنن در دانشکده معقول و منقول.
 - ۳ - تشکیل جلسات شورای عالی مرکب از رؤسای مذاهب مختلف.
- (باشگاه لاینز) یکی دیگر از مؤسسات خیریه امریکاست که فراماسونها در آن نفوذ دارند.

باشگاه لاینز را (ملوین جونز)^۱ که یکی از فراماسونها متنفذ شهر شیکاگو بود، در روز هفتم ژوئن ۱۹۱۷ - م (۱۵ خرداد ۱۲۹۶ - ش) در شهر شیکاگو تشکیل داد.

اولین کنگره این مجمع در روزهای ۸ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۱۷ - م (۱۶ تا ۱۸ خرداد ۱۲۹۶ - ش) در شهر (دالاس) ایالت تگزاس تشکیل شد. این اتحادیه ابتدا تحت عنوان «خدمت بخود» شروع بکار کرد و منظور مؤسس آن کمک و همکاری به بزرگانان بود، ولی در آن کنگره ناگهان شعار باشگاه عوض شده و شعار «خدمت بدیگران» و «از خودگذشتگی در خدمت اجتماع» جای شعار پیشین یعنی «خدمت بخود» را گرفت.

تا اواخر جنگ جهانی دوم، توسعه سازمان لاینز در جهان بسیار کند بود، بطوریکه در سال ۱۹۳۷ - م (۱۳۱۶ - ش) در ۲۱ واحد جغرافیائی جهان فقط ۶۱۱۷ باشگاه و ۳۲۶۴۴۸ عضو داشت، ولی از ۱۹۴۷ - م (۱۳۲۶ - ش) ناگهان فعالیت این

سازمان در جهان افزایش یافت ، بطوریکه در ۱۹۶۱ م (۱۳۴۰ - ش) در ۱۱۴ واحد
چهار ایائی دارای ۱۶۰۹۰ باشگاه و ۶۴۴۲۶۳ عضو بود .

توسعه و تشکیل لاینز در ایران از روز ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ - ش (۱۹۵۷ - م)
شروع شد . در آنروز شفیق منصور ، نماینده سیار لاینز بین المللی که متأسفانه موفق
به کشف هویت کامل و مشخصات او نشدیم می نفر از ساکنان تهران را دعوت کرد که
تأسیس اولیه این مؤسسه را در ایران پی ریزی کنند . می نفر دعوت شده عبارت
بود از :

بوذری - دکتر اسماعیل اردلان - هر مزارش - کاظم اشرفی - مهندس منصور
می - دکتر صادق آهی - دکتر منصور پور سینا - علی تاج بخش - حسن تراب
کمال جمایل - احمد حریری - ادموند حکیم - حبیب اله دیهیم - مهندس معز الدین
الفقاری - دکتر عزیز رفیعی - اسماعیل شریفی - محمود شکوه - طاهباز -
پن علاء - دکتر علی تقی فسا - حسن فصیحی - دکتر محمد کاظمی - وانگ گرنی -
باب کیو - عبدالحسین منتالی - دکتر ویلهلم مقدم - دکتر حسن مهدوی - تقی
می - مهدی یزدی .

باشگاه لاینز در تقسیمات خود کشور ایران را منطقه ۳۵۴ نامید ، و در مدت
سال ۵۷ باشگاه در ۵۰ شهر با ۱۷۵۳ عضو مرد دایر شد .^۱

اعضای باشگاه های این مؤسسه در تهران ، در روزهای پنجشنبه اول و سوم
ماه ، در یکی از هتل های تهران اجتماع می کنند و با هم ناهار می خورند . از
های مهم این مؤسسه در ایران ، توزیع عصای سفیدین نایبانیان و تقسیم مقداری
این بین محصلین بی بضاعت مدارس در ایام نوروز است .

هیچ دلیل و مدرکی در دست نیست که فراماسون های ایران باشگاه های لاینز
اداره کنند . ولی چون چند فراماسون صاحب مقام و سرشناس و همچنین عده ای
فراماسون های امریکائی ، آسیائی و افریقائی در باشگاه های لاینز جهان فعالیت

می‌کنند، این فکر را بوجود می‌آورد که لاینزیک مؤسسه مقدماتی برای فراماسونهای ایران است. در این باشگاه لژهای فراماسونی ایران سعی می‌کنند، اشخاصی را که مورد نظرشان هستند زیر نظر گرفته، پس از طی مراحل آزمایش، به عضویت لژها در آورند. و در حقیقت این سازمان را به آزمایشگاهی برای انتخاب و آماده ساختن افراد و سرانجام جلب آنها به لژهای فراماسونی مبدل کرده‌اند. مؤسس لاینز در ایران یکی از فراماسونهای معروف خاورمیانه است که اکنون به معرفی او از قول یکی از مردان شریف و صحیح‌العقل می‌پردازیم.

الله پاشا خان صالح استاد دانشگاه که سالها در سفارت امریکا مقام مترجمی و مشاوره داشت، اظهار می‌داشت، دومین روزی که شفیق منصور اهل لبنان و نماینده سیار لاینز بین‌المللی به تهران آمد، در دفتر کارم با من ملاقات کرد. او نامه یکی از دوستانم را بمن داد و تقاضا کرد در تشکیل شعبه لاینز در ایران پیشقدم شده و مدیریت و مسئولیت اداره آنرا قبول کنم. چون دوستم از مردم خیر و نیکنام بود و در بشر دوستی او شك نداشتم، از شفیق منصور خواهش کردم تا در باره آئین نامه، مرامنامه و چگونگی فعالیت این سازمان اطلاعاتی در اختیارم بگذارد. در حالیکه شفیق منصور مشغول صحبت بود همکارم «کوروش شهباز» وارد اطاق کارم شد. نامه دوستم را به او داده و در باره پیشنهادی که شده بود توضیحاتی به شهباز دادم. همینکه او شروع به صحبت با شفیق منصور کرد، بدون مقدمه بوی گفت که شما استاد لژ فراماسونری لبنان هستید و فلان مقام را هم دارید. من از شنیدن عنوان (فراماسون) بوحشت افتاده از منصور شفیق خواستم حقیقت موضوع را بگویند.

او ضمن تأیید و تصدیق گفته همکارم شهباز، گفت: باشگاه لاینز لبنان را فراماسونها تشکیل داده‌اند و در اینجا هم تصمیم داریم که لااقل اعضای هیئت مدیره از فراماسونها باشند.

بلافاصله به‌وی پیشنهاد کردم که مدارک و نامه ارسالی را برداشته، از اطاقم

پرونده پرود. او نمی‌دانست چرا من تا بدین حد از فراماسونری وحشت دارم و
 ن‌لبا در این باره توضیح می‌خواست. وقتی اصرار مرا در خروج خود از اطاق
 داد، تقاضا کرد لااقل یک نفر مطلع و متنفذ را با معرفتی کنم. من هم، حسین
 وزیر دربار را به او معرفی کردم و گفتم عین ماجرا را به ایشان بگوئید و
 تأیید علاء در این باره بشما کمک و مساعدت خواهد کرد. وقتی شفیق از اطاق
 بیرون شد، از همکارم کورش شهباز پرسیدم که چطور او را شناخته است؟ و او
 پاسخ داد: از علامتی که با انگشتان دستش در موقع ورود داد و همچنین انگشتی
 در دست داشت. و سپس به ملاقات حسین علاء که در امریکا فراماسون شده
 می‌رود و نخستین باشگاه لاینز را در ایران تشکیل می‌دهد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، فراماسونهای امریکائی در

درجه اول از این مؤسسات جهانی برای پیشرفت امور خیریه

در داخل امریکا استفاده می‌کنند. بیش از چهار میلیون دلار

در سال به ۲۵ مرکز مبارزه با جذام کمک می‌شود و هزینه

نگهداری ۳۵۰ هزار کودک بی سرپرست را در سراسر جهان

این دارند.

ضمناً انجمنهای متعددی نیز برای کمک به کوران، افلیج‌ها و معلولین تشکیل

می‌دهند. و همچنین مراکز متعددی برای مبارزه با سرطان، تب رماتیسم و

باریهای دیگر در امریکا وجود دارد، که با بودجه شعبات مختلف فراماسونری

در امریکا اداره می‌شود.

در جنگهای اول و دوم جهانی، فراماسونهای امریکا به مجروحین جنگ

کمک می‌کردند. علاوه بر جمعیتهای فوق فراماسونها در امریکا ده باشگاه بزرگ

بزرگ را اداره می‌کنند که در زیر مشخصات مختصر آنها ذکر می‌شود:

تعداد اشخاص	تعداد شعبات	تاریخ تاسیس	نام باشگاه
۲۵۵۸۰۳ عضو	۴۶۲۵ باشگاه	۱۹۱۵	۱ - باشگاه کی واتز Kiwans
۸۰۴۰۰	۱۴۰۰	۱۹۱۱	۲ - اکس چینج Exchange
۶۸۵۰۰	۱۷۳۵	۱۹۱۹	۳ - اپتی میسیت Optimisat
۲۸۹۴۷	۸۳۲	۱۹۲۰	۴ - سیویتان Civitan
۲۵۸۶۶	۷۶۶	۱۹۳۰	۵ - روریتان Ruritan
۱۴۸۱۴	۳۱۶	۱۹۱۲	۶ - سرتوما Sertoma
۷۳۵۵	۳۲۱	۱۹۲۲	۷ - بیست و سه Twenty - thirty
۵۵۴۹	۱۲۴	۱۹۱۲	۸ - زیرو Gyro
۴۰۳۶	۸۰	۱۹۲۳	۹ - کاسموپلیتن Cosmopolitan
۱۷۲۵	۴۴	۱۹۲۲	۱۰ - روتد ٹیبل Roundtable

فصل سیام



انجمن اخوت

علیخان ظهیرالدوله داماد ناصرالدین شاه، که خود و پدر و جدش از درباریان قاجاریه بودند، یکی دیگر از ایرانیانی است که برای تشکیل سازمان ماسونری در قرن چهاردهم اقدام کرد.

ظهیرالدوله که در سازمان‌های فراموشخانه و مجمع آدمیت ملکم و لژ ایران شرکت داشت، از چگونگی شکست و عللی که باعث عدم موفقیت ملکم خان بود، اطلاع پیدا کرد، و برای این که اشتباهات ملکم را جبران نماید، اساس سازمان فراماسونری خود را بر روی عقاید و آراء صاحبان (اخوان الصفاء) و (صوفیان) بنیان نهاد و تحت عنوان (انجمن اخوت) فعالیت خود را آغاز کرد. محمود عرفان در این باره چنین می‌نویسد:

«گفتیم دو نفر از رجال دولتی به فکر افتادند شبیه انجمن فراماسونهای ایران انجمنی ترتیب دهند. یک نفر دیگر علیخان ظهیرالدوله (قاجار) که خود و پدر و جدش از درباریان معروف بودند و همین ظهیرالدوله است ملکه ایران) دختر ناصرالدینشاه را به زنی داشت و چون دیده بود که میرزا مغان چگونه در انجام مقصود کامیاب نشد و چه مواردی بود که باعث پیشرفت او را مانع او گردید و چه گفتگوهائی سبب مشوش شدن ذهن شاه یا شورش عامه، و لا در ایران می‌شود. با تدبیر و کاردانی مقصود خود را آغاز کرد.»

در اول کار از مظفرالدینشاه فرمانی گرفت که اجازه داشته باشد، انجمنی به نام (انجمن اخوت) در تهران تأسیس کند... ظهیرالدوله که مردی روشنفکر، اصلاح طلب و خواهان تجدد و مساوات بود، سعی داشت افکار طبقه‌ای از حکمای ایرانی قرن چهارم (اخوان‌الصفا) و افکار و عقاید (صوفیان) را با هم درآمیخت و با وارد کردن فراماسونهای ایرانی در انجمن اخوت پایه نوینی برای توسعه فراماسونری بریزد...^۱

حکمای اخوان‌الصفا سعی داشتند حکمت یونانی و دین
اخوان‌الصفا اسلام را با هم درآمیزند و از آن نتیجه بهتری بنفع مردم
 بگیرند. در قرن چهارم، این دسته از حکمای ایرانی برای
 نشر علوم عقلی و نزدیک کردن دین و حکمت بایکدیگر و مطلع ساختن عامه از مبانی
 حکمت نظری و علم رسالات مختصر و ساده‌ای، بی آنکه نام مؤلف آن آشکار باشد،
 می‌نوشتند و انتشار می‌دادند. غالب محققان تصور کرده‌اند که اینان دسته‌ای از شعب
 شیعه و با احتمال قوی از فرقه اسماعیلیه‌اند. لیکن تعلق ایندسته به یک فرقه خاص
 محقق نیست. و تنها این نکته مسلم است که جماعت مذکور برای توجیه معتقدات
 دینی مسلمین سعی می‌کردند، اعتقادات آنها را با اقوال حکما منطبق کنند. آنان
 برای اثبات برخی از مسائل مذهبی، به روش‌های فلسفی متوسل می‌شدند، و برای
 تزکیه باطن و صعود به مدارج کمال علاوه بر توسل به فلسفه، معتقد تمسک بدین
 نیز بوده و از پاره‌ای جهات بمتکلمین معتزله و اسماعیلیه شباهت داشته‌اند. با این
 تفاوت که این دو دسته اخیر می‌کوشیده‌اند که دین را با فلسفه وفق دهند، و یا
 در توجیه اصول عقاید خود با استفاده از عقاید حکمای یونان سخن گویند. و
 حال آنکه اخوان‌الصفا - سعی داشتند اصول حکمت و فلسفه را با مبانی دین
 اسلام سازش دهند و فاصله‌ای را که میان حکما و اهل دین پدید آمده بود از میان

اینان معتقد بودند که به یاری علم و اعتقاد به دین، می‌توان به تصفیه باطن
 رسید و به مرحله‌ئی از کمال که غایت شرایع و ادیانست رسید و حقایق آنها
 بهتر فهمید. و بر اثر اعتقاد به مبانی دین اسلام و اصول و عقاید افلاطونیان
 لیثاغوریان جدید و صوفیه یا فلاسفه مادی اختلاف نظر داشتند و اقوال آنانرا
 می‌کردند، و برای آنکه بتوانند فارغ از مخالفت اهل دین و فلسفه بیشتر
 عقاید خود موفق شوند، رسالاتی بی ذکر نام مؤلف می‌نوشتند.

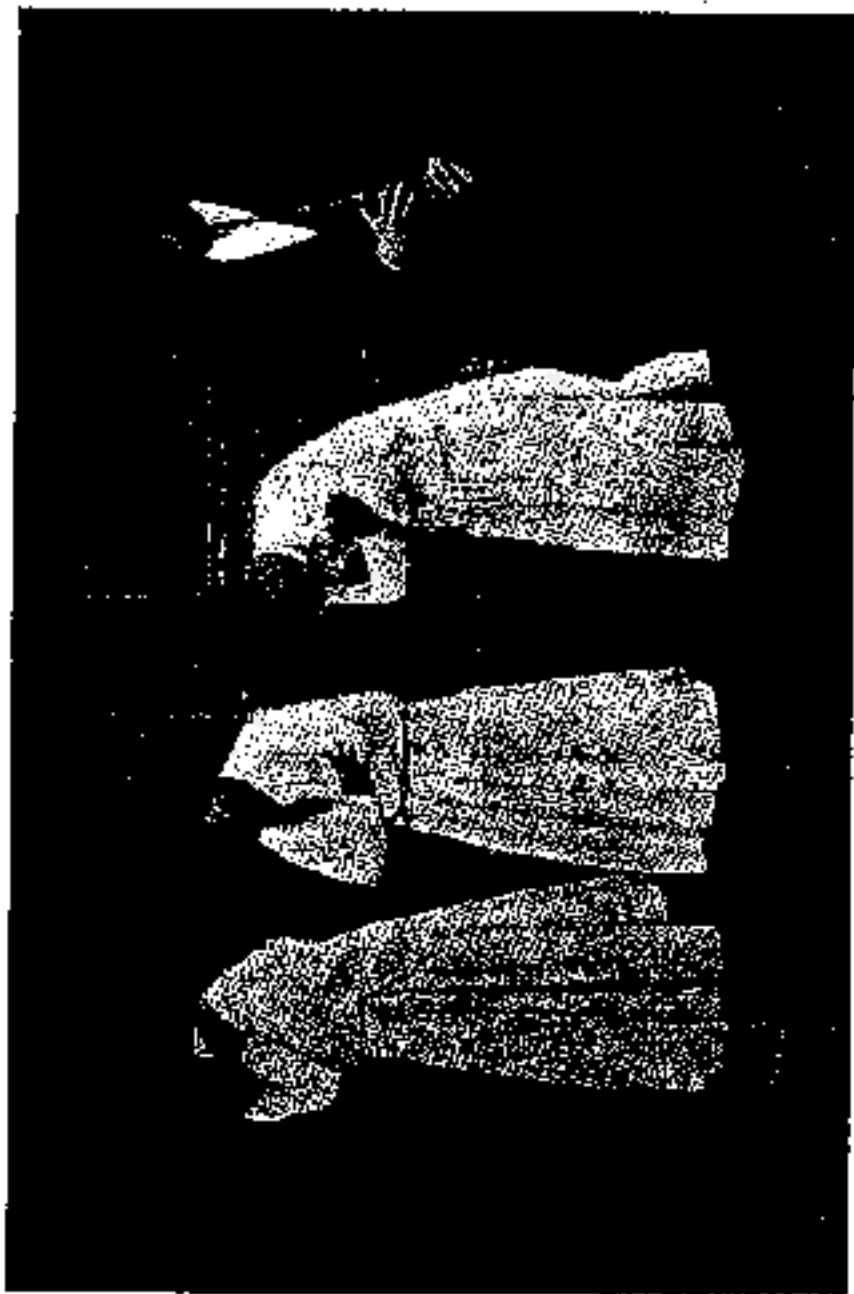
علاوه بر رسائل و کتب بدون نام نویسندگان، که اخوان‌الصفا منتشر می‌کردند،
 می‌توانیم پیروان این گروه، در شهرهای مختلف مجالس خاصی وجود داشت که
 اقع معین در آنها گرد می‌آمدند و کسی جز آنان در این مجالس حاضر نمی‌شد.
 آن در این محافل علوم خود را مورد مذاکره قرار می‌دادند و اسرار خویش را
 معرض محاوره و بحث می‌گذاشتند.

در این مباحث بغالب علوم، خاصه علوم الهی که نظر اصلی، اخوان بود،
 می‌شد و شرط عمده کار ایشان آن بود که نسبت به هیچیک از علوم دشمنی
 نداشتند و هیچ کتابی را به چشم بی‌اعتنائی ننگرند و نسبت به هیچیک از مذاهب
 بی‌نورزند.

هنگامی که یکی از اخوان می‌خواست دوستی انتخاب و او را وارد درجه که
 از ان‌الصفا کند، قبلاً می‌بایست در احوال او دقت نماید و در باره او اطلاعات
 معلومات کامل بدست آورد و اخلاق و روحیات او را آزمایش کند و مذهب و
 عقاید او را بشناسد تا بداند که سزاوار دوستی و برادری و ورود درجه اخوان
 است یا نه؟

پس از اینکه از تازه وارد اطلاعات کامل بدست می‌آمد و آزمایشات لازمه
 شد، دوستان و معرفین و اعضای اخوان‌الصفا موظف بودند به هیچ روی از او

رقص دراویش



دراویش مولوی هنگام دور زدن و سلام



آرایش مولوی که با آنها مقام‌ها و نواحی ایران را می‌زینند و می‌خوانند شش قسم است :
 لای - سه‌تار - گمانچه - مبلل - سنج - کوچ و دفا

دست باز ندارند و از بذل مال و جان درباره او خودداری نکنند.^۱ مرحوم ظهیر الدوله سعی داشت، کلیه دستورات (اخوان الصفاء) را اجرا کند و به طوری که بعداً خواهد آمد، هدف و افکار و مرام (انجمن اخوت) شبیه (اخوان الصفاء) بود.

برای اطلاع از انگیزه و چگونگی تشکیل (انجمن اخوت)

چگونه و چرا و ادامه دادن راهی که میرزا ملکم خان و سید جمال الدین

بخاطر توسعه سازمانهای فراماسونری ایران در پیش گرفته

بودند، بهترین دلیل و مدرک سخنرانی دکتر اسماعیل مرزبان

(امین الملک) رئیس هیئت مشاوره انجمن اخوت در جشن

پنجاهمین سال تأسیس انجمن مزبور است.^۲ او در آن شب درباره تشکیل انجمن

اخوت چنین گفت:

«... می خواهم ابتدا اوضاع و احوال محیطی را که در آن محیط، انجمن

اخوت ابتدا بطور سری و سپس بطور علنی بوجود آمده است، برای آقایان تشریح

کنم، تا از علل و موجباتی که باعث طلوع فکر تأسیس این انجمن گردیده است اطلاع

حاصل نمایند.

همه آقایان از وضع در بار استبدادی آن زمان کم و بیش اطلاع دارند

که در آن عصر تا چه حد اصول بیداد و ستمگری بوسیله درباریان و عمال حکومت

۱ - نویسنده کتاب تاریخ ادبیات در ایران می نویسد: «... اخوان چون نفس واحد در

اجسام متعدد باشند و در حفظ و مراعات کار و اداء حقوق او بکوشند و چون احسانی درباره

سدیق خود کرد، منتهی از این باب بر او نهاد و چون بدی از وی دید، برسد و او را بر

جمیع نزدیکان و دوستان همایگان برتری نهاد، چه چنین درستی از یس و برادر بهتر است ...

از کسانی که از کودکی باره فاسد و عادات یست و اخلاق نامأنوس ماوت کردند دوری

جویند و کسانی از اخوان که از مال با علم برخوردارند باید برادران را از آنها برخوردار

دارند و در دوستی و صداقت از اسباب صرف نظر کنند و در طلب دین و دنیا با اخوان یاوری

نمایند ...»

۲ - جشن پنجاهمین سالروز تأسیس انجمن اخوت روز دوم نیرماه ۱۳۲۷ شمسی

(۱۵ شعبان ۱۳۶۷ قمری) در محل انجمن واقع در خیابان فردوسی برگزار شد.

امروز نسبت به مردم ایران اعمال می‌گردید و همچنین آقایان اطلاع دارند که ناصرالدین شاه برای دیدن کشورهای غربی مسافرتی با اروپا نمود.

دربازگشت از فرنگ نعمانی که محرک بیداری تهییج روح آزادیخواهی افراد ایرانی بود گوش شاهرا متأثر نمود. میرزا ملکم خان از يك طرف در لندن الاتی بمنظور بیدار کردن اذهان افراد ایرانی چاپ نموده، محرمانه بایران فرستاد که در اینجا بین افراد آزادیخواه دست بدست می‌چرخید، از طرف دیگر هم سید جمال‌الدین اسدآبادی و تابعین او مشغول جمع آوری پیروانی بودند. بوسیله آنها بتوانند برای بیداری ملت تبلیغات بهتر و وسیعتری بنمایند. این بنا هر چند سری بود، ولی در باریان وقت جریان را حس کرده، مصمم گردیدند بحث عمل از این تبلیغات که ارکان سلطنت استبدادی را ملاً متزلزل می‌ساخت، بگیرند و بالاخره هر نعمه‌ای را بیک شکل خاموش کردند. ضمناً (کنت فورت فورت) را برای ریاست پلیس از ایتالیا خواستند که بیشتر باوضاع تسلط شده و آنها را بطوری تحت قید و فشار قرار دهند که کسی فرصت تفکر و تعقل برای بنام رایحه آزادی نداشته باشد.

مضيقه و قید مردم بحدی رسید که هیچکس از ترس اینکه مبادا بتشکيل جمع متهم شود، جرأت نداشت حتی از دوستان و بستگانش در منزل خود دعوت کند و اغلب دیده می‌شد که هر کس با تاجری که شب از آشنایان خود دعوت می‌کرد، مبادا و داروغه محل شبانه بمنزل او ورود نموده، مزاحمت فراهم می‌کردند.

قضایای گرفتار بیهائیکه برای فرق مذهبی و غیره در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه می‌داد، اغلب از این بابت بود که اصولاً در بار وقت با هر جمعیت و اجتماعی مخالف بود... ۱۰

این نطق که پنجاه سال پس از تشکیل انجمن اخوت ایراد شده است، يك نکته را روشن می‌کند و آن اینکه برنامه کار انجمن مزبور ادامه دادن راه و

دنباله روی از اقدامات ملکم خان، سید جمال الدین و سایر انجمنهای سری بوده و فراماسونهای که در (فرانسه) و (انگلیس) به عضویت لژها درآمده بودند، محرک اصلی در ایجاد آن بشمار می آمدند. و ناگفته نماند که وجود این نوع انجمنها و مجامع سری، در پروراندن ریشه های نهال انقلاب مشروطیت ایران نقش مهمی را ایفا می کردند.

در چنین محیط و زمانی، مرحوم میرزا حسن صفیعلیشاه صفیعلیشاه و انجمن اخوت آنجا به هند رفته بود، به تهران آمد... و اینک برای آگاهی از زندگی مرحوم صفیعلیشاه و نقش او در انجمن اخوت کمی به گذشته بر می گردیم:

مرحوم صفیعلیشاه روز سوم شعبان ۱۲۵۱ هجری در اصفهان متولد شد. پدرش ناچر بود و پس از تولد صفیعلیشاه از اصفهان به یزد رفته، در آنجا مسکن گزید. صفیعلیشاه بیست سال در یزد بود و تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در این شهر فرا گرفت. آنگاه طی سفرهای خود بسر زمینهای مختلف شرق، با اصول آئین صوفیه آشنا شد. خود وی در شرح حال خویش چنین می نویسد:

«... از طرف هندوستان به حجاز رفتم. اغلب از مشایخ ایران و هند و روم را ملاقات کردم. از بعضی قلیل مستفیض شدم و قداعد فقر و سلوک را که اخذش منحصر به خدمت و قبول ارادتست به اتصال سلسله که شرح آنهم مبسوط است، بدست آوردم. در هندوستان به تألیف (زبدۃ السرار) نظماً که در اسرار شهادت و تطبیق با سلوک اله است موفق شدم. به عزم ارض اقدس رضوی از راه عنبات عالیان به شیراز و یزد مراجعت کردم و به تهران آمدم. چون سکنای دارالخلافه از برای هر کس - به خصوص امثال ما جماعت - از سایر بلاد امن تر است...»^۱

صفیعلیشاه پس از ورود به تهران، به عنوان یکی از اقطاب صوفیه بارشاد

بیدان و پیروان این آئین پرداخت. به طوری که نوشته‌اند: «بر حسب وظیفه
شاهی که داشتند، شروع به دستگیری از مردم نموده و در این اقدام منتهای
تنباط و عنایت را مرعی می فرمودند، چنانکه طوری به تربیت و بیداری مردم
اختند که طرز عملشان به هیچوجه مورد ایراد درباریان استبداد و عمال حکومت
روز نگردید و در نتیجه جمع کنیری از اهالی به ایشان گرویدند»^۱.

صفیعلیشاه هنگامی که، در اویش و فقرا را به فقر مشرف می کرد و آنان را
می داد، شش تعهد به شرح زیر از آنها می گرفت:

- ۱ - تعظیم امر الله .
- ۲ - خدمت بولی الله .
- ۳ - کتمان سر الله .
- ۴ - محبت اهل الله .
- ۵ - شفقت خلق الله .
- ۶ - بذل نفس فی سبیل الله .

دفتری که هم اکنون موجود است، تعداد (فقرای) تهران را از روزیکه
شروع به ترویج آئین درویشی کرد، تا سال وفات مرحوم ظهیرالدوله سی
نفر را معرفی می کند.^۲

عده کثیری از صاحبان مشاغل و اشخاص برجسته اواخر دوران سلطنت و
نصرت ناصرالدین شاه به مرحوم صفی گرویدند. در بین آنها میرزا نصراله خان
الملک که بعدها قانون اساسی فراماسونری (اندرسن) را ترجمه کرد - شاهزاده
الدوله - برادر عین الدوله - میرزا محمود کرمانی که از بزرگان عرفان
مان بود - و علیخان ظهیرالدوله، بیش از سایرین با وی معاشرت داشتند.

بنا به اظهار امین الملک مرزبان همین چند نفری که اسم برده شد «جلساتی

۱ - یادگار جشن پنجاه ساله ص ۱۳ .

۲ - یادداشت های خطی خان ملک ساسانی که خود از درویش صفیعلیشاهی بود .

به طور سری خدمت مرحوم صفی تشکیل داده و تحت ارشاد و رهبری ایشان، هسته مرکزی انجمن اخوت را تشکیل دادند، و همانطور که عرض کردم، در آن موقع به اقتضای زمان، جلسات انجمن اخوت به طور سری خدمت صفی تشکیل می شد. صفی علیشاه موجد و مؤسس (انجمن اخوت) به منظور ایجاد اخوت و مساوات (برادری و برابری) در میان مردم تصمیم گرفت فاصله عظیمی را که بین اشراف و دربار استبدادی و سایر طبقات مردم وجود داشت، از بین ببرد و بواسطه نفوذ و قدرتی که داشت، حتی عده ای از رجال درباری نیز مرید وی شده بودند. بنابراین در محضر او علاوه بر اشخاص معمولی، عده کثیری از اعیان و اشراف و رجال درباری نیز حاضر شده و به معاشرت با توده مردم تن در می دادند. به طوری که در این حلقه وزیر، امیر، بقال و کارگر مساوی بودند و همه از غنی و فقیر با هم الفت گرفته و عهد اخوت می بستند.

نظم الدوله که سمت معاونت «کنت دومونت فورت» رئیس پلیس تهران را داشت، از طرف شاه و دولت به طور محرمانه تأموریت داشت که در خانقاه صفی حاضر شده، مراقب اوضاع و احوال باشد. و در صورت احساس خطری از طرف ایشان، مراتب را گزارش دهد. ولی نظم الدوله خود در مدت کوتاهی جزو مریدان صفی علیشاه شد و مرحوم صفی به وسیله او موفق به کسب اجازه چاپ (تفسیر صفی) گردید. در این تفسیر آیات کلام الله مجید ترجمه و تفسیر شده و مثنوی وار به نظم در آمده بود.

پس از انتشار چند جزوه از تفسیر منظوم صفی، ناگهان موج اعتراض عمومی علمای تهران آغاز شد و بالا گرفت و همه آنها این اقدام صفیعلیشاه را کفر شمرده و رسماً او را تکفیر کردند. حتی به ناصرالدین شاه فشار آوردند که او را از تهران اخراج کند. شاه، اعتماد السلطنه را به نمایندگی از طرف خود نزد مرحوم صفی

فرستاد تا به طرز محرمانه‌ای بوی اخطار کند که از تهران خارج شوند.

در مجلس ذکری که با حضور میرزا نصراله خان دبیر الملک، ظهیرالدوله، صیقل‌الدوله، حاج میرزا محمود و شمس‌العرفاء در حضور صفی منعقد شده بود، بلاغ دادند که اعتمادالسلطنه از طرف شاه حامل پیامی است. هنگامی که اعتمادالسلطنه با صفی ملاقات کرد، به او گفت: «نظر به هیاهویی که پاره‌ای از اشخاص، به تفسیر شما برپا نموده‌اند، خوب است جنابعالی برای مدتی در مشهد مقدس است فرمائید تا سروصداها خاموش شود. حضرت صفی در جواب فرمودند: پس قرآن بهر زبان و به هر عنوانی برخلاف مذهب اسلام نیست مخالفت آقایان تفسیر من، به واسطه نادانی و متکی به اغراض نفسانی است. با اینحال چون پادشاه مطاع و متبع است، تا چند روز دیگر وسائل مسافرت خود را تهیه و برای زیارت حضرت ثامن الائمه (ع) بارض اقدس خواهیم رفت»^۱

پس از رفتن اعتمادالسلطنه، اطرافیان صفیعلیشاه شروع به فعالیت کرده و بشاه گفتند: چون مخالفین مرجع تقلید نیستند، حق تکفیر و اظهار نظر درباره تفسیر ایشان را ندارند و پیشنهاد کردند در این زمینه از یک مرجع تقلید استعلام شود و آنچه میرزای شیرازی نظر مخالفین را تأیید کردند، امر پادشاه اطاعت شود، در این صورت، بهیاهوی مخالفین «تفسیر» واقعی نگذارند. ناصرالدینشاه نظری که از شده بود پسندید. و پس از مدتی دستخط آیت‌اله میرزای شیرازی از نجف آمد. در این دستخط، آیت‌اله شرحی مبنی بر تمجید و تعریف از تفسیر صفی نوشته بود. طبعاً وصول فتوای مزبور، صدای مخالفین را خاموش کرد و بدینترتیب از پدید صفیعلیشاه جلوگیری بعمل آمد.

این موفقیت، موقعیت صفی‌علیشاه را مستحکمتر ساخت و مخالفین دربار ناصرالدینشاه و کسانی که در انجمنهای سری برای ایجاد مشروطیت تلاش می‌کردند، یکی از پیش در اطراف او گرد آمدند. هر شبانه روز صدها نفر از طبقات مختلف در

خانقاه او اجتماع می کردند و صفیعلیشاه با آنان درباره برابری، برادری و مساوات که شعار فراماسونها بود، بحث و گفتگو می کرد و این اظهارات بیشتر سبب تجمع و تحریک مردم می شد.

درباریهای مخالف صفی و تفسیر او که از گروه مستبدین بوده و با فراماسونها مخالفت شدید داشتند، تجمع روز افزون در خانقاه صفیعلیشاه را با آب و تاب و شاخ و برگ، برای ناصرالدینشاه شرح می دادند. از طرفی چون در همان روزها مقدمات جشن پنجاهمین سال سلطنت ناصرالدینشاه فراهم می شد و تجمع اشخاص مخصوصاً حضور رجال درباری را در محضر صفی، بهانه قرار داده، با عنوان کردن این مطلب که دربار صفیعلیشاه از دربار اعلیحضرت مفصلتر است... شاه را علیه صفیعلیشاه و یارانش تحریک می کردند. بدیهی است با این تذکرات سوءظن شاه تقویت می شد، ولی با اینهمه چون می دید که صفیعلیشاه در بین همه طبقات مردم طرفداران زیادی دارد، از نشان دادن عکس العمل شدید خودداری کرده و ظهیرالدوله داماد خود را واسطه تبعید او قرارداد.

مرحوم ظهیرالدوله نزد مرشد خود رفت و با کمال تأثر گفت که شاه امروز مرا احضار کرده و بوسیله من برای شما بیغامی فرستاده اند. صفیعلیشاه گفت: فرزاده چرا متاثری؟ بگو... ظهیرالدوله گفتههای شاه را تکرار کرد... وی در جواب گفت: «همانطوریکه مکرر عرض کرده ام، امر شاه مطاع و متبع است. مخاصم روضه ای دارم و پس از خاتمه آن بارض اقدس خواهم رفت» صفیعلیشاه که با انجمنهای سری و بخصوص محفل فراماسونها ارتباط داشت و می دانست که تا چند روز دیگر، شاه کشته می شود با انتظار ورود میرزا رضا کرمانی از اسلامبول نشست... و چند روز بعد ناصرالدینشاه بقتل رسید.

امین الملک در این باره چنین می گوید: «چند روزی از این قضیه گذشت که ناصرالدینشاه در موقع تشریف بحضرت عبدالعظیم، بدست میرزا رضا کرمانی بقتل رسید.» امین الملک بدون اینکه اشاره ای به قتل شاه که بتحریک سید جمال الدین

سده آبادی (مرید صفی) صورت گرفت ، بنعاید اضافه می کند :

«حضرت صفی که بطور قطع از ستاره های قدر اول آسمان ادب و عرفان بوده ،
 آنها از افتخارات بزرگ کشور ما بلکه عالم اسلام محسوب می شوند . در تمام مدت
 زندگی خود منظوری جز خدمت بخلق اله و بیداری مردم و ترویج اصول
 عدل و مساوات نداشتند . چنانکه تأسیس انجمن اخوت بطور سری نیز ، بهمین
 نور بود و بالاخره در ذیقعدہ سال ۱۳۱۶ هجری قمری خرقه تہی فرموده و در
 ارتحال رهبری و ارشاد خلق را بحضرت ظہیر الدولہ صفی علیشاہ واگذار
 کردند...»^۱

صفیعلیشاہ قبل از وفات ، در زیر جملات وردی که مخصوص بعد از نماز در اویش
 علیشاهی است ، این جمله را بعنوان وصیت نامہ تعیین جانشین نوشته و
 ظہیر الدولہ سپرده است «حق تعالی بر عمر و عزت و عافیت یار باجان و ایمان ہم -
 ظہیر علیخان ظہیر الدولہ بیفزاید ہمین او را در سالها بطالبین تلقین نماید و روح
 را بیاری شاد فرمایند . میرزا حسن»

صفیعلیشاہ را در خانقاهی که ہم اکنون بہ ہمین نام معروف است در خیابان
 علیشاہ فعلی بنخاک سپردند و پس از مرگش اداره کار در اویش و فقرا ، بظہیر الدولہ
 واگذار شد .

مرحوم ظہیر الدولہ یکسال پس از مرگ صفیعلیشاہ ، فرمانی
 از مظفرالدینشاہ برای تأسیس «انجمن اخوت» گرفت . تا
 آنروز انجمن مزبور سری و مرکب از عندهای از درباریان و
 دوستان صمیمی و نزدیک آن مرحوم بود . ظہیر الدولہ برای
 آنکه انجمن اخوت را از صورت مخفی در آورد ، و آنرا از امکان فعالیت علنی
 برخوردار سازد ، فرمان مخصوصی کہ تشکیل جلسات انجمن را تأیید کرده ، بلا مانع

سه بانوی درویش



در این تصویر از راست به چپ : فروغ الدوله مادر عباس فروهر (دوام الدوله) - ملکه ایران
 دختر ناصرالدینشاه همسر ظهیر الدوله - فروغ الملوك



در این تصویر تهمین الدوله سفاعلی‌شاه - میرزا حسن صفی‌علی‌شاه - مولوی
 درانجمن اخوت دیده می‌شوند.

می‌دانست، از مظفرالدین‌شاه گرفت.^۱

ظهیرالدوله بدون اینکه نام «فراماسونری» و یا «فراموشخانه» باین انجمن بدهد عده‌ای از هم مسلکان سابقش را گرد آورده و تا آنجا که توانست سعی کرد اعضای اولیه انجمن، از رجال روشنفکر، اصلاح طلب و خوشنام باشند.

قبل از افتتاح رسمی انجمن و آغاز فعالیت علنی آن، ظهیرالدوله صدوده نفر را برای عضویت انجمن اخوت دعوت کرد، و اولین جلسه در خانه خودش دایر شد. او عدد صدوده را که با حروف ابجد کلمه (علی) می‌شود، بمنظور تبریک و تهنیت، برای عده اعضای اولیه انجمن اختیار کرد و صدوده سندلی بیک شکل ساخته نام هر یک از اعضاء را بر روی یکی از سندلیها نوشته و در سالن بزرگ خانه‌اش که روی روی بانگ ملی فعلی است قرار داد.

در روز اول افتتاح علنی «انجمن اخوت» ظهیرالدوله در سندلی اول قرار گرفت و بعضی از آداب و رسوم فراماسونها را انجام داد. بطوریکه شرح آن قبلاً گذشت فراماسونها علامات مخصوصی دارند، که در نشان و حمایل و فرمان و دیپلم فرقه خود بکار می‌برند. و این علامات مرکب از تیشه و پرگار و گویا است که گاهی جدا جدا و گاهی مخلوط با هم قرار داده می‌شود. ظهیرالدوله هم تبریزین و کشکول و تسبیح را علامت بخصوص انجمن اخوت قرار داد و چون شکل مثلث نزد عیسویان و فراماسونها شکل مقدسی است، علامت انجمن اخوت هم بشکل مثلث درآمد.

محمود عرفان قاضی دادگستری که در سال ۱۳۲۷ با لباس فراماسونری در حزب عامیون تهران درباره این فرقه در ایران سخنرانی کرده است درباره انجمن

۱- صدر فرمان مورد بحث که بنام میرزا علیخان ظهیرالدوله وزیر نشر نفات صادر گردیده است در حقیقت با استعانت و کمک مرحوم میرزا علی آصف‌خان اتابک صدراعظم وقت ایران صورت گرفت که با مرام و تسکیلات انجمن توافق کامل داشت و شاید بتوان گفت که مشارالیه با نفوذی که در مظفرالدین‌شاه داشت، موفق شد فرمان تأسیس انجمن اخوت را بگیرد.

«... نخستین اجتماع صد و ده نفری که در صدر آنها ظهیر الدوله بود، در سال ۱۳۳۰ دائر گردید. یعنی «انجمن اخوت» در این سال تأسیس شد و رونق مهمی یافت.

غیر از اخوان طریقت ظهیر الدوله، رجال دیگری نیز بآن انجمن آمدورفت کردند و ظهیر الدوله پیوسته در نظر داشت اساس کار خود را با فراماسونها مطابق

همانطور که رسم فراماسونهاست، ظهیر الدوله هسته مرکزی انجمن را اکنون بنام «هیئت مشاور انجمن» نامیده می شود ۱۲ نفر انتخاب و باین شرح تعیین کرده :

۱ - انتظام السلطنه^۱

۲ - دکتر اسماعیل مرزبان - امین الملك

۳ - ابراهیم حکیمی - حکیم الملك

۴ - حاج شمس الدین جلالی - فطن الملك

۵ - نیر الملك شیرازی

۶ - سیف الدوله^۲

۷ - نصراله صبا - مختار الملك

۸ - همایون سیاح^۳

۹ - اسداله یمین اسفندیاری

۱۰ - محسن قریب

۱ - مجله یفما سال سیزدهم ص ۵۵۷

۲ - پدر نصراله و عبدالله انتظام که بهاکنون نیز از رؤسای فراماسونی هستند، و این اثر فراماسوئی در محل انجمن اخوت در خیابان فردوسی تشکیل می شود.

۳ - سیف الدوله برادر عین الدوله دشمن مشروطه و آزادیخواهان

۴ - خزانه دار لژیوناری در ایران

۱۱ - فتح‌اله صفائی - صفاالملك

۱۲ - علیخان ظهیرالدوله

چنانکه قبلاً اشاره شد، صفی‌علیشاه و ظهیرالدوله از افکار و عقاید و اندیشه‌های اخوان‌الصفا الهام گرفته بودند سعی داشتند، حکمت و فلسفه یونان و عقاید و نظریات صوفیان را با دستورات دین مقدس اسلام توأم کرده از آن بِنفع اعضای انجمن بهره برداری کنند. یکی از کارهای اخوان‌الصفا توجه به موسیقی و تأثیر بود. ظهیرالدوله هم، برای اولین بار در انجمن اخوت، تشکیلات: تئاتر، نمایش و موسیقی را تشکیل داد و در جلسات رسمی آن، برنامه‌های موسیقی و نمایش به معرض اجرا و تماشا گذارده شد. نمایشات تند و کوبنده‌ای که علیه استبداد و ظلم دربار قاجار و همچنین نکوهش از اعمال حکام ستمگر دوره استبداد به روی صحنه می‌آمد، از ابتکارات انجمن بود.

در سال ۱۳۱۸ هـ (۱۹۰۱ - م) شهر آمل دچار حریق بزرگی شد، انجمن اخوت برای تجدید بنای شهر يك برنامه گاردن پارتی ترتیب داد. در این گاردن پارتی در اویش بخصوص سماع حضور و حسنعلی خان ترانه‌های ایرانی نواختند و در آمد سرشاری از این راه به دست آمد.

برای تعاون و همکاری اعضای انجمن، مقررات سختی وضع شده بود و فقط کسانی که عضو انجمن بودند، حق داشتند از مرامنامه جمعیت اطلاع حاصل کنند. این مرامنامه که مرحوم ظهیرالدوله شخصاً آنرا نوشته و در سال ۱۳۲۷ شمسی تجدید طبع شده است فقط به کسانی داده می‌شود که عضو انجمن اخوت باشند. اینک مرامنامه مذکور را منعکس کرده در دسترس افکار عمومی قرار می‌دهیم. باید دانست که از بدو تأسیس انجمن اخوت و تدوین مرامنامه انجمن تا با امروز این نخستین بار است که متن مرامنامه محرمانه انجمن اخوت منتشر می‌شود و به جز اعضای رسمی انجمن، دیگران نیز از متن آن اطلاع حاصل می‌کنند:

فقرا و اخوان هر جا باید بزرگ و رئیس خود را معظم و محترم دارند، پس هم باید از قول و فعلی که باعث سردی و کسالت مکلفین می شود احتیاط کند. همه وقت از اعمال قبیح و نامشروع در مقام ترك و توبه باشند و خدا را حاضر و غایب یعنی حاضر باشند که خدا حاضر است. و در هر آنی از آفات و مهلکات و باطن پناه به شاه ولایت برند.

وقت سحر حتی الامکان فقرا اگر مانعی نداشته باشند بیدار باشند. بلکه بشود از ثلث آخر شب تا صبح افلا بین الطلوعین خواب نباشند و به ذکر جلی یا قرآن مشغول باشند و همیشه با طهارت و لباس پاک باشند. و از خواندن موظفه خود غفلت نکنند. زبان را از نفوذ و دروغ بی نهایت و تهمت و غیبت دارند. اگر گرسنه و برهنه از اهل طریقت باشد، بر همه تکلیف است که به بیم نالی باشد با و برسانند و غفلت نکنند و هر چیز که ممکن باشد از اهل بیت دریغ نکنند. در حفظ اسرار و امانات و ستر عیوب یکدیگر بکوشند و از شر ام کنند. ضعفای قوم را تحقیر نمایند.

به عبادت و تشییع یکدیگر بروند. اگر جهت یک نفر گرفتاری پیدا شود اتفاق کنند و دست از هر کاری بکشند تا رفع گرفتاری برادرشان را بکنند، پس بنزله جهاد است و بر همه لازم است. مجادله و مباحثه در هیچ مطلبی با هم نداشته که موجب رنجش است. اگر دو نفر با هم کدورت کنند پیش سایرین اظهار الفت از یکدیگر نکنند. و بر دیگران است که مابین آنها را اصلاح کنند. با شوخی با هم کمتر کنند و همدیگر را به کلامی و تزنند اگر چه سخیف و لال باشد جز به ملایمت و خلوت نه در جمع. و بر یکدیگر تمسخر نمایند که انظار سبک و بی قدر شوند و از هم دلتنگ گردند. در ادای امانت درست سخن کوتاهی نکنند که برای نوع و هن عظیم است. با منکر و مخالف و منافق لطف نکنند مگر به ضرورت و صحبت مذهبی ندارند که نزاع شود و اسباب خفتی

فراهم آید . کسی را باید دعوت کرد که نفاق و افکارش معلوم نباشد ، وقتی معلوم شد دوری ضرور است .

بار زحمت خود را بر شانه هم نگذارند ، که باعث بعد ، قلوب از یکدیگر شود . در مجالس از اتسوه و پریشانی خود صحبت ندارند و اظهار ملالت نکنند ، که ثمری بجز خفت و افسردگی دیگران ندارد . خلف وعده و خلاف عهد با هم نکنند . اگر از کسی خلافتی به ظهور رسید بدل نگیرند و اغماض کنند . به علمای شریعت توهین روا مدارند . بلکه اظهار مودت کنند (که مغز را پوست باید و آن را لباس) مقصد و خائن معلوم الحال را در مجالس خود راه ندهند .

اگر یکی از خودشان را بیکار ببینند ، البته او را به کار و کسبی مجبور دارند . نهایت فخر فقر آنست که از دسترنج و زحمت خود معاش کنند . نه اینست که دست کند کفچه به هر لقمه اش (مگر نه حضرت مولی الموالی ارواح الفقر الیه الفداء با خلافت و سلطنت باطنی و ظاهری برای بهودیان مزدوری می فرمود) جوانها و فرزندان خود را در صورت امکان زود زن بدهند و به کسب بگذارند که به هر زگی و پریشانی دوچار نشوند . اغلب اوقات با هم مجتمع باشند و در کوچه و بازار و مجالس عامه با هم بروند که مردم آنها را متفق و مجتمع ببینند (زیاد خنده و شوخی نکنند) که کم قدر شوند . آهسته و آرام سخن گویند ، مگر وقت ضرورت . از بازار چیل نیسه ناممکن باشد ، نبرد و اگر لابد شوند زودتر تدارک کنند . همیشه سخن بر وفق و شرع گویند تا مخبول نگردند . به اندک قناعت کنند ، تا از اهل زمانه راحت یابند و ملول نگردند و شاکمی نشوند . بر خلقت خود نیفزایند و آنچه هستند همان را نمایند ، که چون ظاهرشان را بگردانند باطنشان بگردد . در خلوت و جلوت سخنی بر خلاف نظم ملک نگویند ، در هر دم و هر قدم توفیق درویشی از درگاه مولی استدعا کنند . امضاء با جوهر بنفش «صالح» این سرانامه را همه در اویش صفی علیشاهی همیشه در جیب بغل همراه دارند ، ولی هیچگاه آنرا به کسی که «مشرف به فقر» شده باشد نشان نمی دهند .

مرحوم نظام السلطان خواجه نوری نیز با اینکه یکبار اجازه قرائت مراسم را
 در آن دادند، ولی استنساخ و چاپ آن را به هیچوجه مجاز نمی دانستند. تا اینکه
 آن در پیرونده فراماسونری مرحوم ادیب الممالک، نسخه‌ای از این مراسمنامه
 داشت، که مورد استفاده نگارنده قرار گرفت. این جزوه در مطبعه فاروس
 شده و در آخر آن امضاء (صالح) و مهر دلیل العرفاء به چشم می خورد. در
 مجلد نمره ۲۲۵۱۱ و نام ادیب الممالک نوشته شده است. به طوری که خود
 الممالک در یادداشت‌هایش می نویسد «او بیست و دو هزار و یانصد و یازدهمین
 بوده که بعد از ورود به فرقه فراماسونری وارد سلك درویشی شده است.»

پس از مرگ مظفرالدینشاه، انجمن اخوت مبارزه شدیدی
 را با دربار محمد علیشاه آغاز کرد و اعضای انجمن همه بر
 علیه استبداد و محمد علیشاه به مبارزه پرداختند. از روزی
 که محمد علیشاه مجلس را به توپ بست، چند روزی در پی
 شاه مستبد خانه کسانی که مورد تنفر او بودند، از جمله شاهزاده ظل السلطان
 شاهزاده جلال الدوله پسر عمش و خانه ظهیر الدوله شوهر عمه شاه که در
 حکمران رشت بود، بمباران و بموسیله سر بازان غارت شد.

محل انجمن اخوت نیز که کتابخانه و دفتر انجمن و سالن جلسات بوده
 بسته شد و کلیه دارائی و مایملک انجمن و خانه ظهیر الدوله به غارت رفت.
 اعضای انجمن که قبلاً از دستور محمد علیشاه اطلاع حاصل کرده بود، کلیه دفاتر
 با مرکز فراماسونری «لژ بیداری ایران» را که در محل انجمن بود، شبانه
 غارت فرانسه بردند. محمود محمود در این باره چنین می نویسد: «علاوه بر محافل
 از طرف لژ داران پاریس نیز در تهران لژ ایرانی دایر گردید. دستگاه
 ظهیر الدوله مربوط به فراماسون فرانسه بود. آن که در زمان سلطنت
 علی میرزا خانه ظهیر الدوله را غارت کردند، به این دلیل بود که محفل
 فراماسون را در آنجا سراغ کرده بودند. ولی مرحوم ظهیر الدوله قبلاً خبردار

شده اثاثیه ماسونی را از آنجا به سفارت فرانسه برده بودند ولی خانه غارت شده و عمارت نیز ویران گردیده و دیگر آباد نشد و شاید حال هم به همان حال باقی مانده باشد.^۱

محمود محمود در همین زمینه اضافه می‌کند: «چون قبلا اطلاع رسیده بود که محمد علی میرزا چنین قصدی دارد، شبانه وزیر مختار فرانسه را دیده بودند و هر چه که متعلق به ماسونهای فرانسه بود به سفارت فرانسه بردند و شاید تا امروز هم آنجا باشد. از قرار اطلاعی که دارم دیگر محفل آنها دایر نگردید.»

محمود نشاط داماد صفا علیشاه و کارمند وزارت پست و تلگراف به مترجم کتاب «انقلاب ایران» چنین گفته است:

«همسر مرحوم ظهیرالدوله (ملکه ایران) پس از ویرانی و تاراج خانه‌اش بشوی خود در رشت می‌نویسد:

«تو به خواب راحتی، من در اسیری می‌روم، خانه‌ام ویران و هستی‌ام را به یغما بردند، دیگر آه در بساط ندارم - پسر مرا نیز دستگیر و در اندیشه کشتنش هستند.»

ظهیرالدوله در پاسخ او نوشت:

«خانم عزیز، خوب شد که آن همه جواهر روز خاریغرا که خون دل مستمندان بود بردند و ما را آسوده نمودند - هر وقت به صندوقخانه تو سر می‌کشیدم و آن چیزهای پوچ را می‌دیدم نیشهای مار و عقرب به تن خود احساس می‌کردم. سیاسی خدایا که از این همه رنج تنم آسوده و از آن شکنجه و درد رهیدیم. خدای پسرمان هم کریم است. مولی سخنی است.^۲ پس از فرار محمد علیشاه، مشروطیت خواهان در همان خرابه‌های غارت شده انجمن و منزل ظهیرالدوله جشن «نصرت ملی» برپا کردند و بار دیگر فعالیت سیاسی «انجمن اخوت» و «فقرو درویشی» در

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم جلد هفتم ص ۱۷۱۶

۲ - تاریخ مشروطیت بدون مقدمه مترجم.